

هم سالی اند که تا يك نرضه توام بخلق ايران
تربزند ادارات آن مرتب نشود چه اگر وزارت
خانه های ايران از روی علم قائم گردد ايران محتاج
باستقراض از آنها با آن شرایطی که مدنظر دارند
بدولت ايران قبولانند نمیگردد

بدبختانه يك پارتی جدید بهم باصول متروعه بازی
دوره محمدعلی تشکیل شده و دارد قوت میگیرد و
چند نفر وکلاء نیز میگویند شامل آنها میباشند و این
فرصت را که این پارتی مخالب یافته از شامت عدم اتفاق
و رؤسای ملت با کابینه است و اگر این آثار پیش
نمی آمد ممکن نبود باین زودی چنین پارتی آنهم
در طهران تشکیل شود

از برکت علم و تجربه (میو پریم) درین
دوره طهران دارای اداره نظمیته شده ، قطع نظمیته
است که باصول علم اداره می شود ، بدبختانه
برخلاف او هم جماعتی برخاسته ولی از ترس سر
خود را زیر لحاف کرده صحبت میدارند ، مردم
هر قدر از شخص سپه دار رسیدن بردار اسعد
گرویده اند و برعکس هر چه از سلوک بختیاریان
مکدراند از رفتار مجاهدین خوشوقت میباشند

جماعتی را عقبه این است تا وقتی این کابینه
تغییر نیابد یعنی سردارین از کار کناره نگیرند
مشروطیت ایران استحکام نخواهد گرفت ، ببارت
اختری روی پای خود نخواهد ایستاد ، ولی من
بخلاف این عقیده هستم و میگویم هر وسیله هست
باید وکلاء و وزرا باهم متحد شده از سردارین
کار بگیرند چه باین زودیها ما نمیتوانیم مانند این
دو سردار اشخاص کارکن پیدا کنیم ، بر فرض هم
که پیدا کردیم رعب این دو سردار باین زودی
در آنها پیدا نخواهد شد ، و امروزه رعب این
دو سردار برابر قوای موجوده دولت در زوایای
مملکت کار میکند و غالب ازین نکته غافل اند

جمیع طبقات از شخص نایب السلطنه کمال رضامندی
را دارند و قطعاً ایشان را مجلس انتخاب خواهد
نمود ولی جماعتی که برخلاف این کابینه هستند اتحاد
ایشان را با کابینه پسند نمی نمایند ، ازین رو در حق
ایشان ساکت میباشند ، آقای عضدالملک درین مدت
برخلاف متروعه خواهی قدیمی بر نداشته ازین رو
محبوب القلوب خاص و عام هم واقع شده اند تقصی
که بر ایشان میکنند همانا ثلثت ایشانست و میگویند

بواسطه این صفت مقتدر بر حفظ مقام منبع خود
نیز نمیباشند و عقیده شایسته این است که هر قدر
نایب السلطنه از اقتدار خود کاسته سردارین بر اقتدار
خود افزوده اند و حال آنکه نایب السلطنه درین
مسلك منتهای هوشیاری را نموده است ، علاوه بر این
سردارین از قبل ورود بطهران دارای اقتدار
کامل بودند

شیراز

چند روزی بود که شهر امنیت خود را از
دست داده بود پس از آنکه شیخ الملک رئیس
عدلیه فارس روانه بطرف اصفهان شد مجدد اقتدار
حکومت دارد عود می کند ولی امنیت بحرانی و
بی اساس ،

حضرت مستطاب آقای آقا سید عبدالحمین
لاری که چند روز است وارد شیراز شده پس از
ورود همراهیشان با مشروطیت و اطاعت از احکام
دولت معلوم گردید که آنهمه اکاذیب را دشمنان
در حق ایشان جعل نموده بودند و امواته گفته
می شد بیرون سید غارت کرده اند از باغ دلکش
بیرون می آید

میان دولت الدوله و نصرالدوله ظاهراً صلح شد
ولی از همان روز انقلابات اطراف فارس بالا گرفت
و واقعه قونسل روس پیش آمد و عموم چیز فهمهای
شیراز واقعه قونسل روس را مبنی بر سازش شهربان
میدانند و دکارنده نیز با آنها هم عقیده هستم ، مرا
خیلی درین می آید بر محبوب القلوب و حسن اقدامات
سهام الدوله که با طاهر داری با بنی القوام که منفور
دوثلث اهل فارس و عموم ایرانیان خارجه و داخه
اند تمام بریاد شده همه روزه اغتشاشات فارس بالا
میگیرد ، چنانچه امروز تجار شیراز به بوشهر تلگراف
منع حل مال التجاره نمودند ، ظلم است که اگر
چند صباحی باین منوال باقی ماند نه تنها سر رشته
امور از کف کار گذاران ایالت فارس خارج خواهد
گردید بلکه باصورت بسیار مدعش بشهر نیز سرایت
خواهد نمود ، آصف الدوله طماع بی وجود که خیره
استبداد بود با محاشات امنیت فارس و در آن انقلاب
عظیم نگاهداشت ، ولی جناب سهام الدوله با آن بی
طمعی و آن جودت و فعالیت و مشروطه خواهی
از يك خطای مسلك فارس را بصورت امروزه
بیرون آورد ، غرنکیهای این شهر حتی قونسلان را

عقیده این است که فارس حکومت فعال بی طرفی با قوه قاهره میخواند، ورنه اگر چند هفته این وضع امتداد نماید تمام جنوب رنگ دیگر کسب نموده و باسم حفظ مال و جان اروپائیان انگلیسان قشون وارد خواهند نمود و تمام این پیش آمد ها نتیجه يك سروی است که ایالت نموده (خود ایالت هم فهمیده ولی جاره ندارد)

میکویند سلوک ایالت صوت الدوله را خیلی بر افروخته بود این بود که قونسل انگلیس با او ملاقات نموده آرام وساکی نمود بی اقتداری برای يك ایالت از هم واقعه بالاتر متصور نیست مرعوبیت سابعه ایلات و اهالی مرتفع گردیده امروز ایالت فارس اقلاً پنج هزار قشون تحت التلاح با جمیع لوازم اردو لازم دارد که در هر آن هر نقطه که میخواهد رخ نماید بدون يك ساعت معطلی بتواند فرستد نه اینکه اگر سرباز باشد ذخیره نباشد اگر ذخیره باشد لوازم سز نداشته باشد، برای ایالت فارس سهام الدوله خیلی موزون است هم مشروطه خواه است هم واقف و بی طمع، شك نیست این صفات بجای خود خیلی مدوح است ولی این صفات شخص ایالت در مردم خیره سر ورس کار اردو نمیکند، اگر سهام الدوله با شرایطی که گفتیم دارای يك اردوی پنج هزار نفری باشد در عرصه چندسال فارس را رشك فردوس میسازد و تشکیل جنس اردو علاوه بر اینکه مملکت آشوب خیز فارس را امن و آرام میکند و حواس مجلس و وزرا را ازین رهگذر آسوده میدارد منافع مالی هم برای دولت دارد و برای جلوگیری از بهانه جوئی خارجه بهترین اصول همین است

ترجمه پارس

(سلخ ذیقعه ۱۴ دسمبر)

وقایع نکار اخبار مذکور از ایران خبر میدهد - در شهر شیراز بهر جهت امنیت برقرار ولی اطراف فارس خالی از اغتشاش نیست، اهل قشقائی ضاعرا نمیکویند که مصمم زحمت دولت میباشد، قونسل انگلیس هم درین خصوص با صوت الدوله ملاقات نموده است

حصه از اموال کرمانیان را که دزدان فارس غارت نموده بودند از آنها باز گرفته و بساحبانش مسترد داشته اند، مسئله گرفتاری قوام و نصر الدوله تصدیق نشده است

در طهران اگرچه انقلاب فوق العاده پیش نیامده ولی عدم رضایت ملت از حکومت جدید کارها را خیلی دشوار نموده است این امر به تصدیق رسیده که فعلاً برای برقراری امنیت در مملکت يك حکومت فعالی لازم است، وقتی که ملاحظه میکنند کارها بهایات اصول اولیه می شود اهالی میگویند که اوضاع سابق بهتر از وضع امروزه و یکدفعه مردن بهتر از استلای به تب دائمی است، وزارت خارجه طهران مملو است از تلگرافات شکایت آمیز ولایات از سلوک افسران و حکام و آواز دست دزدان، این اخبارات درین وقت فی الواقع خیلی تکلیب ده و موثر تشویش است چه اشترار و دزدان فارس و اسنهران بدون مانع بکارهای خود اشتغال دارند، زندگی را بر مردم حرام و آرام را از اهالی سلب نموده اند، وصول و ایصال مایات بطهران تا درجه ملتوی مانده است و آنچه به تحقیق پیوسته حکام دور و نزدیک ملزم اند از رسانیدن مالیات برکتر، عامه دانشمندان طهران متفق الکلمه اند بر اینکه قسمی که باید کارها بر اساس صحیح باشد نیست و کار از روی صحت نمی شود راز های هیئت وزرا مستور نماید بلکه زبان زد هر بازاری است ازین رو نمیتوان یقین نمود که دولت جدید با اصلاحات لازمه مقصود ابرام گردد رؤسای مشروطیین طهران بخوبی از اوضاع شهرها و زوایای ایران واقفند بعضی واقعه این است که آنچه دزدی و شرارت و قتل و غارت پیش می آید از مستبدین مشروطه نباست حق در شهر طهران هم هستند مردمانیکه اهالی را بر مخالفت حکومت تازه اشتعال میدهند

حکومت تازه ایران سعی هست که بذریعه حکام امنیت در صوبجات برقرار دارد ولی هنوز طرق و شوارع را از دزدان صاف نکرده اند با این همه حکومت جدید امیدوار است که بزودی در تمام ایران امنیت برقرار خواهد شد

مارسک پست لندن ۲۵ نومبر می نویسد روزنامه (نوبریمیا) ی روس در اخبار خویش عدم خوشنودی خود را بر نطق پادشاهی در پارلمان من باب اشاره که در خصوص قیام قشون روس شده بود اظهار می نماید و مینویسد که خیالات روس در ماده

ایران هماره دوستانه بوده است

وقایع نکار (نوبورییا) از طهران باخبر
مذکور خبر میدهد که منظره بسیار وحشت ناک
در معاملات اندرونی ایران نمودار است و دولت روس
را تأکید اکید بحدخلت می نماید و میگوید که تجار
شاهی ایران تمام اعتماد و امیدواری بروس دارند
و قلباً خواستکارند که قشون روس در ایران
یابد. و ازین رو با کمال شدت وقایع نکار اخبار
مذکور قوت میدهد که البته باید دولتین روس و
انگلیس نگرانی در کلیه امور داخله ایران داشته باشند
دولت جدید ایران رشیدالملک را بحکومت
اردبیل انتخاب نموده

نایب السلطنه ۲۶ نومبر در مجلس قسم قانوناً
یاد نمود است بر بایبندی قوانین مشروطیت
بر حسب قانون انتخابات وکلای مجلس از قبول
عهده وزارت محرومند لذا وزیر علوم (صنیع الدوله)
و وزیر عدلیه (وفاق الدوله) که بوکالت انتخاب
شده و از وکالت بوزارت آمده برای ترک وزارت
حاضر شده اند (عاقبت ترک وکالت گفته وزارت
اختیار نمودند)

بموجب تلگراف (سراب) رحیم خان بمجرد
رسیدن قشون دولت فرار نموده و شامسونها هم
اردبیل را تخلیه نمودند

از جلای تلگراف رسیده که ملا قربان علی که
یک از ملاهای مستبد بود بمجرد ورود قشون
دولت بزبحان فرار نموده و شهر در حال سکوت
و بجران است

ترجمه استدرود

محمد علی شاه مخلوع ایران در ادبیه مساک
بود باش پیش گرفته و کارخانجات صنعتی ادبیه
را می بیند و در اصول تعلیم اروپا غور میکند
و می و همت سال دارد، فرانسه و روسی را
میخواند و برای آینده خود خیال بانی می نماید،
در امور صنعتی خیلی غور و تأمل می کند چند
روز قبل در ملاحظه مطابع سنکی چند ساعت
گذرانید و سی کارخانجات را تاکنون دیده و هر
کار خانه را با توجه نام مذاقه می نماید

ترجمه طمس لندن

قشون دولتی در حبیبکه بطرف اردبیل میرفت
در زنجان که مدتی انقلاب بود دشمنان را در

سنگری مستند جنگ یافتند سردار اردو این خبر
را بطهران داده از طرف دولت حکم قطع و قطع
آنها رسید و مخصوصاً در گرفتاری پنج نفر حکم
شد که در عرض بیست و چهار ساعت دو بیست هزار
تومان از آنها بگیرند، بعد از یازده ساعت جنگ
قشون دولت غلبه نموده و چهار صد نفر اسیر
گرفتند از قشون دولت پنج نفر مقتول و پنج نفر
بجروح گردید ملا قربانعلی که از ملاهای مستبد
و بود و پنج سال عمر داشت مقتول شد

رحیم خان بعد از عسارت بسیار قلیل فرار
کرد و شامسونها نیز معلوم شد قصدشان غارت بود
و پس نه تبدیل دولت، رسیدن اردوی طهران و
ورود قشون روس خیلی بوقع واقع گردید این امر
بخوبی ظاهر شده که دولت روس در این امتشاش
شرکت سری نداشته است افسوس این است که چرا
قشون ایران و روس اتحاد نکرده از شامسونها
سلاح نگرفتند همین شامسونها از چند بیست که در
سرحد ایذا میرسانند

مجلس ملی دو روز است انعقاد یافته ولی از
سستی و کلا شروع بکار نشده و تا یوم شنبه مطلق
خواهد ماند هیئت وزرا دارد تماشای نمایند و
سرکارهای خود حاضر نمی شوند و قول شان
این است که آنها کار خود را اختتام دادند، مجلس
راست که کابینه بهتر انتخاب نماید نایب السلطنه استماع
وزرا را قبول نه نمود و مجلس قطعاً وزرا را تأیید
نموده نیز استماعی خود را باز خواهند گرفت

در دو منزلی شیراز قونسل روس و منشی او را
طایفه (بوژ احمدی) لخت نموده و به همراهانش حمله
رده یک قزاق روسی بقتل رسید همان طایفه چندی
قبل هم بر قونسل روس در همین مقام حمله نموده
بودند چون دولت مقتدر بسزای شان نگردید عزیز
بر حرمت آنها شده است

کارهای مجلس تاکنون بطریق سرسری است
و تصدیق سندات و کلا نشده است، امروز بکثرت
آراء شکر گذاری از طرفداران مشروطیت ایران
قرار شد به نمایند و مخصوصاً کمیته لندن و لاردر
لامنگتن و پروفیسر برون و مستر لنج را نام بردند
هنوز حقیقت حال ملک بحکومت معلوم نیست
دیروز مجلس با بجهاد و یک رای در مقابل دو رای
نایب السلطنگی عضدالملک را امضا نمودند

حکومت موقت ایران

از جراید فرانسه که این هفته با داره رسیده معلوم میشود که در باب ایران مرافعه و مدافعه قضیه در روزنامه های فرانسه شده است، ولابد هوا داران مشروطه ایران به تعرض از مقصرین که برای بی اعتبار کردن دولت حایه ایران پاره اقدامات کرده بودند غلبه نموده اند، بدرجه که همان روزنامه که خود فریفته بول طرفداران استبداد شده و پاره مزخرفات نوشته بود، در تالی مجبور بر تکذیب اقوال واهی خود شده و برده از سخن مقصرین برداشته است، چون انتشار مندرجات این روزنامه در داخله و خارجه چشم و گوش ایای وطن را باز کرده و مؤید زحمات با ادله و براهین در بیدار کردن هموطنان عزیز ما خواهد شد لذا ذیلا به ترجمه بعضی از آنها می پردازیم

روزنامه (نوول) در تاریخ نهم نومبر (تحت عنوان اساس جدید ایران) عقیده مسیو کلودانه، و ادعای او در حمایت ظل السطانت می نویسد (کلودانه شخص روزنامه نویسی است که ظل السلطان در موقع عزیمت بایران بامید سلطنت های دور و دراز او را اجیر کرده و همراه خود برده بود و وقتی که او را از رشت توقیف کردند همین کلودانه را با اکبر میرزا پسرش برای تحصیل مقاصد خود بطهران فرستاد)

ترجمه اخبار نوول فرانسه (یا مزخرفات مسیو کلودانه)

مسیو کلودانه با می گوید که در حقیقت امر مشروطه ایران مردم مشتبه اند، اولاً در این تغییراتی که در ایران شد ملت ایران شراکت خیلی مختصری نمود، چرا که این تغییرات را واقع در ایران عثمانی ها و ارمنی های شورش طلب قفقاز بعمل آوردند، و در اینکه چه منفعتی ارمنی های قفقازی از برای استعمال اسلحه برای حفظ مشروطه ایران داشتند نمیدانم، اگر چه می گویند که مقصود آنها جلوگیری از نفوذ روس در ایران تحت حکومت مستبد بود، ولی آنچه به یقین پیوسته این است که خود ملت ایران بر آنچه مشروطه طلبان در طهران می کنند ایداً وقتی نمی گذارد

این مشروطه طلبان ولو اینکه نیستند و...

در ایران است در موقع حالیه بکلی غیر ممکن است همچنین دلیل، و اگر علت آن تنها بی اعتنائی ملت ایران با امور عمومی بود می توانستیم باز به ترتیب آئینه که رؤسای مشروطه در نظر دارند امیدوار بشویم، ولی این بی اعتنائی علل عمیقی دارد، که منبع اش در طبیعت ایرانی ها و دینت گذاشته شده ایران ما بدکالت نیستند و در این ماده آنها را من کتر از ملل دیگر آسیا نمیدانم، اما عدم جسارت و استقامت مزاج در وجود ایرانیها بنظر من عیب عمیقی است، و در رفع آن مشکل است بیات حسنه چند نفر ایرانی که در فرنک بزرگ شده اند نتیجه بدمد، هوا و تعذبات چندین قرون عدیده و استعمال تریاک ملت ایران را از قوای دفاعیه محروم کرده است، تسخیر طهران بآن آسانی بواسطه ارمنی های قفقازی باعات بختباری ما مایه تعجب شد ولی باید دانست که يك مشت سرباز فرنگی برای تسخیر کلبه مملکت ایران کفایت می کنند، و ملاحظات سیاسی است که انگلیس و روس را تا حال در گرفتن این مملکت مانع شده است

مبادا خیال بکنید که گرفته شدن طهران بواسطه مشروطه خواهان دلیل استمرار اساس حریت در ایران است، بلکه بر عکس آزادی طلبان ایرانی در قبول آمدن احکام خودشان در ولایات دچار مشکلات زیاد هستند، و باوجود اینکه از اشخاص نیک نفس ملک حاجی علیقلی خان سردار بختباری که بعد از تسخیر طهران وزیر داخله شده است سر کرده آزادی طلبانند، مشروطه خواهان ایران بکلی از وسائل لازمه اداره کردن مملکت محروم هستند، بیات حسنه آنها که محل تمجید است با وضع حالیه هیچ کاری نمی توانند بکنند، چرا که در ایران مثل فرنک نمیشود حکومت کرد خود مشروطه طلبان ایرانی هم معترف بر این نکته هستند، و اینک شکل قدیم حکومت خودشان را اجرا می نمایند

(چطور می خواهید که جور دیگر بکنند)؟ ایرانیها نمی خواهند مالیات بدهند و اساس حکومت جدید هم قوت نظامی ندارد (دو همراهنه بختباری فقط قراولی طهران را می کنند نمیشود آنها را قشون حساب کرد) و کسی اطاعت بدولت نمی کند و این حرفهای من باندازه صحیح است

که حکومت جدیده مجبور شده حکام قدیمه را که فرمانفرماهای مستقله ایالات هستند بازبکار وادارد اشخاصی هم که خیال می کنند مشروطه طلبان ایرانی مثل آزادی خواهان عنانی هستند مشبه اند ، مثلاً سپهبد معروف در ایالت گیلان شدار مشهوری است و اگر بطرف مشروطه طلبان رفته برای قصاص شخصی از محمدعلی شاه قدیم است

مشروطه خواهان ایرانی تیره تیره هستند و هیچ اتحادی ندارند بدرجه که میشود گفت رؤسای آنها باز تواید شورش خواهند کرد ، کینه مدبره که ایران را اداره می نمود و مرکب از بیست نفر بود بواسطه قدر بکلی بعزت اختلاف های اندرونی خود در کار محفل ماند

اگر من این حرفها را میزنم نه بجهت این است که آزادی طلبان ایران را در نظر عمومی فرنک بی اعتبار نمایم بلکه آرزو می کنم که مشروطه خواهان ایرانی بمقاصد خود شان از صمیم قلب که می خواهند موفق بشوند ، اما لازم است که فرنکستان هم در حق این مملکت بدبخت خیالات عالی نکند ، در این حالت حالیه که قضاغان طرق راههای مملکت را بکلی بسته ، برقرار کردن نظم در ایران ممکن نمیشود مگر بواسطه يك دولتی که قوت نظامی داشته باشد و اوامر خودش را مطاع نماید ، بی بولی و بریشانی ، که حکومت جدیده را مستولی شده می تواند مملکت را بکلی ورشکست نماید ، قرض دولت روز بروز زیاد میشود و دولت نمی تواند از عهده تغذیل بی حد و حصر بوظایف که بانک روس و انگلیس باو داده اند برآید ، تنها وسیله که دولت ایران برای خود پیدا کرده این است که مثل ایام استبداد از اشخاص مقبول جریمه بگیرد و این قهره را بوسایل غیر فرسکی معمول داشته و اینك نزدیک است که آزادی طلبی مملکت بعزت آن بهدر برود ، با تعجب از من می پرسید که آیا نیست يك تنها مرد پلذیکی ایرانی که بتواند این هرج مرج را منهدم سازد ؟

جواب میگویم بی هست ، يك شخصی که از عهده برمی آید ، ولی حکم داران حالیه او را از کار کنار کرده اند و اشخاصی هم که او را کنار نموده اند آزادی طلبان نیستند ، بلکه آنهایی هستند که

آشکار خود شان می گویند که امروز در ایران حکومت غداری لازم است ، شاهزاده ظل السلطان از اشخاص بسیار نادری است برای نظم این مملکت هرج مرج ، می دانم که باین شاهزاده نسبت سخت گیری و او را توبیخ می کنند ، اما بعد از این تفصیل که بشما گفتم غیر از سخت گیری ممکن نیست ، و اشکس اشخاصی که خود شان را آزادی طلب اسم گذاشته اند آنچه را که ظل السلطان می کرد می کنند ، ظلم های بی مأخذی که بشاهزاده ظل السلطان نسبت می دهند عادات قانون این مملکت است که خود دولت جدیده هم استعمال می کنند

دو دولت بزرگ فرنک باید بدقت متوجه ماجرای طهران بشوند و بدو نف مداخله مستقیمه دولتین انگلیس و روس باید در خیال نظم آنجا باشند و نباید این دو دولت از وسایلی که برای نظم آن مملکت لازم است دوری بکنند در صورتی که همان وسایل را دولت آزادی طلب هم در آنجا مجری می دارد ، عقیده من این است که دولتین روس و انگلیس نمی خواهند در ایران بصدمات پردازند ، مقصود شان فقط این است که کاروانها در امنیت حرکت بکنند و تجارت خارجه محفوظ بماند و مطالبات اتباع آنها در سر وعده برسد ، پیشتر از این اگر بکار ایران دست زنند برای خود شان خطرناک است ، همین قدر در ایران نظم باشد برای آنها کافی است ، خواه این نظم بواسطه حکم داران حالیه برقرار بشود و خواه بواسطه ایرانی های دیگر و این نکته برای آنها اهمیتی ندارد (یعنی ظل السلطان)

مشله ایران راجع بحسبیت انسانی نیست و در فرنک اگر نخواهند تنها بشرايط انانیت عمل بکنند اشتباه کرده اند ، کلیتاً عین جهالت است که کسی نسبت علت خرابی يك مملکت را تنها بحکم داران آن مملکت بدهد ، نسبت علت طبیعی هرج مرج ایران را باید بقوای معنوی اهالی آنجا داد نه بحکم داران آن مملکت بهر شکلی باشد

حبل المتین

اگر با کمال رغبت این همه مزخرفات مطول را ترجمه و درج می میکنیم فقط برای باز کردن چشم و گوش ایرانیان درباره ظل السلطان و

امثال او است ، در نمره های قبل نامه مقدسه نوشته بودیم که نقشه مستبدین در خارجه بی اعتبار کردن حکم داران حایله ایران است ، حالا این فصل روزنامه (نوول) که از جراید غیر معتبر فرانسه است و بملاحظه ملک خود در میان دولت و ملت فرانسه ، مهم و مردود است بابای وطن بسم و رسم نشان خواهد داد که بول ایران در فرنگ برای بدنام کردن دولت و ملت ایران و تحصیل مقاصد مفسدین بجه قسم خرج میشود ، بعد از آنیکه این فصل را جراید معقول فرانسه از دست وکیل ظل السلطان گرفته و دور انداختند لابد باین روزنامه (نوول) داده و درج کرده اند ، چون عین مضمون جراید بزرگ فرانسه را که با کمال جوانمردی قباحت اعمال و امکار شامراده ایران را سبب بایران نوشته اند درج خواهیم نمود لذا ه همین قدر اکتفا می کنیم و از افراد ملت تمنا میشود که بیک دیگر این اظهارات ظل السلطان را نشان داده و بدقت ملاحظه عوده و از آنچه نوشته اند عبرت کرده و بیدار باشند

ترجمه از روزنامه محترمه (سپنل)

(مورخه ۱۱ نومبر ۱۹۰۹)

(همین روزنامه است که دو هفته قبل پیش بینی کرده و تبعید ظل السلطان را از خاک فرانسه خواستگار شده بود و ما ترجمه مقاله او را نشر کرده ایم)

ایران و عقاید فرانسه

در باب ایران مسئله عربی اتفاق افتاده است تا وقتی که سلطنت هرج و مرج محمد علی شاه بود فقط چند روزنامه آزادی خواه در فرنگ حداً افکار عمومی را باعمال وحشیانه او متوجه می کرد ولی از وقتی که هیئت دولت صحیح در موقع حکومت مستبده منحوسه جا گرفته است اینک از هر طرف بعضی از روزنامه های فرنگ که ابدأ شورش طلب و حریت خواه هستند حمله بدولت جدید می کنند ، بدون اینکه بخواهیم بملت اصلی این مسئله (بول) دست زنیم مجبوریم که این نکته را توضیح بکنیم که این حمله آنها را هیچ علت بلتبیکی نیست (یعنی مقصود شخصی است) ولی می تواند نتایج بلتبیکی داشته باشد ، بملت اینک وقتی که این قبیل اقدامات را در فرنگ میکنند ممکن است که ایرانیها

را در باب نیات حنه فرنگی ها نسبت بآنها و فرنگی ها را از حقیقت وضع ایران مشتبه نمایند و باین واسطه دولت جدید ایران را که مصلحت عموم دول و مصلحت ما فرانسه ها در استحکام او است در انظار بی اعتبار نمایند ، تقدیر این قبیل اشخاص اگر در داخله ایران اسباب تولید شورش بشود دولت روس را دوجار اشکالات مسکوره و شاید اسباب اختلالات میان روس و انگلیس و یا میان این دودولت با دولت عثمانی می تواند شد ، تکلیف ما فرانسه ها است که پیش بینی کرده و جلوی این حادثه غیر مترقبه را بگیریم (ای ملت بچاره ایران به بینید جراید محترمه فرانسه بجه تمهید مقدمه و مهربانی از امور شما پیش بینی می کنند ، خوب است شام بیدار باشید) این جلوگیری حق ماها است خصوصاً آنچه بر صد دولت حایله ایران مساندین نوشته اند کایتاً تا حال بی ماخذ بوده و هیئت در آخر تعاقب نمیشود ، مساندین دولت جدید ایران می گویند که ختم دولت مستبده در آن مملکت نتیجه زحمت عثمانی ها بود پس چرا در این صورت مجلس اول ایران در طهران هتم اکتوبر ۱۹۰۶ یعنی دو سال قبل از شورش حریت عثمانی ناز شد می گویند خود ملت ایران وقتی بمشله مشروطه نمی گذارد ، پس کی می بویسد این همه روزنامه های را که بعد از عزل محمد علی شاه منتشر می شوند ؟ می گویند که دولت حایله هیچ قشون ندارد ، پس چطور شده است که صاحب منصبان خارجه در طهران متوجه وضع قشونی که بطرف آذربایجان (اردبیل) میرفت شده و تبعید کرده اند ؟

در واقع این همه جنگ و جدال زشت رانیت مگر يك مقصود ، یعنی مجبور کردن ملت ایران بر قبول سلطنت ظل السلطان عموی بزرگ پادشاه حوان ، يك روزنامه فرانسه دیروز مقاله در تبعید ظل السلطان و پیشرفت مقاصد او نوشته و می گوید که (نظم های بی اصل) این شخص « عادات قانونی ایران است » اگر لازم شد دوباره سر شرح حال دور از انسانیت شامراده ظل السلطان که دفعه اول دولتین روس و انگلیس و دفعه ثانی دولت حایله ار ایران و آمدند خواهیم آمد ، عجائباتی از آخرین اعمال او را می نویسیم هیچکس مان قبل همین ظل السلطان پسر خود

واقعات طلیسی

امروز که روز حرکت پست است قلم برداشته میخوام اوضاع ناگوار این ولایت را بعرض ولی هروقت برای نشر مقاله و نوشتن لایحه قلم برسانم بدست میگیرم از کثرت هجوم افکار و مصائب وارده بی در پی چنان مبهوت و حیران میشوم که قدرت نوشتن دو سطر را هم ندارم

زیرا که اوضاع ولایتی بتسی خراب و منشوش نیست که برشته تحریر در آید یا بتوان صد يك آن را برای درج در جراید محلیه خراسان نوشت باری در ایحدت سه سال که دولت ایران مشروطه و ندای آزادی و حریت تمام خاک ایران را فرا گرفته در این ولایت خراب شده اثری از آثار این نیر تابان و آفتاب درخشان بشور و بروز نرسیده و هنوز مردم این ولایت معنی مشروطه را فهمیده و بی بحقیقت آت نبرده اند، و جهة آنهم گذشته از استبداد حکومت بی علمی و بی تربیتی ایشان است که از میان دو پست هزار نفر جمعیت محال اربعه (طیس - تون - بسرویه - کناباد) از صد نفر یکتر بلکه از هزار نفر پنج نفر سواد فارسی ناقص که فقط خواندن و نوشتن باشد ندارند و اسم روزنامه و قانون هم بکوششان نرسیده چه جای قرائت آنها، دسنة دیگر که رؤسا و صاحب نفوذ بجای تربیت زیر دستان خود شب و روز در خیال ریاست و جاه طلبی و افتاد فروختن بر این و آن هستند، از دروغ گفتن و قسم دروغ خوردن و خدعه و فریب و نفاق و دورویی حتی در محاکم شرع کار دیگر ندارند

وعاط صاحب دودی که واقف بمواقف عصر باشد و در مجالس و محافل بقوت و قدرت نطقهای غرای خود خوب مرده ملت را در عروق و شرائین آنها بجوش و دوران بیاورد ندارند از طرف دیگر حاکم مشروطه خواه مقتدر وطن خواه که معنی وطن دوستی و استقلال ملی و ناموس پرستی را درک کرده باشد نیست زیرا که جناب عماد الملک حکمران که ارنأ حکومت بایشان تعلق گرفته بواسطه ضیق نفس و ابتلاء به تریاک چنان از کار افتاده اند که بعضی اوقات یکپخته یکپخته از اندرون بیرون نیایند و تمام کارها را به هم و

اکبر میرزا را مأمور کرد و فرستاد که مادر خودش را کشت، اگر این است یکی از (عادات قانونی) که ظل السلطان میخواست در ایران برقرار نماید سلطنت او هم خیلی مطلوب نیست و اقامت او در میان ما هم که دارد مشغول تقنین است کتر مطلوب میباشد، دلایل مهمه قاهره حکم می کنند که ماها دوست دولت جدید ایران باشیم و هیچ دلیلی نیست که بگذاریم در سر زمین ما دشمن های آن دولت سکونت نمایند، ملای حافظ در ماروک کالی است لازم نیست ملای حافظی دیگر برای طهران تهیه کنیم

وقایع سگار ما

خبر نکار نامه مقدسه از پاریس می نویسد که این حرکت بی قاعده ظل السلطان باندازه در دوائر دولتی و جراید ملی اسباب نشر شده و اقدامات لازمه از هر طرف بعمل آمد که اولاً هانت شخص (کلودانه) مجبور شده شرحی بوزیر مختار نوشت و اظهار تاسف کرد که این حرفها را من نگفته ام و نویسنده روزنامه (نول) اظهارات مرا تحریف نموده است و اصل مقاله هم برای روزنامه های آلمانی نوشته شده بود نه برای جراید فرانسه (حضرات می دانند که با وجود ممتاز السلطه در خاک فرانسه اعمال آنها را رنگ و روغنی ممکن نیست خودشان معترف اند که این قبیل تقنین ها را در جراید آلمانی می کنند که کتر ایران ها خوانده و بفهمند، دو ماه قبل همین (کلودانه) در جراید آلمان فصول عدیده نوشته و منتشر کرده است)

نایب در موقع جشن افتتاح مجلس ملی در سفارت پاریس ظل السلطان حاضر شده در میان جمعی از ایرانیها که خبرنگار نامه مقدسه هم بوده شرحی در معذرت از ماجرا بیان کرد ولی معلوم است که همه اینها از حیا و لایبی است

ثالثاً رئیس همان روزنامه نول بسفارت رفته از ما وقع معذرت از وزیر مختار خواسته و گفته است که حاضریم در تکذیب همان مقاله کلودانه هر چه خودتان بگوئید در همان صفحه روزنامه خودمان درج و تمجید بکنیم، انشاء الله ترجمه اظهارات جناب ممتاز السلطه را که بریس روزنامه مزبور کرده اند و منتشر شده است هفته آینده در نامه مقدسه درج خواهیم کرد

زید و احد و محمود واگذار کرده و هر کس در هر نقطه که صبح زودتر از خانه اش بیرون آمد او حاکم است و ترتیبات سابق بهمان طور باقی و هیچ تفاوتی نکرده است و قوانین مشروطیت و نظامنامه ها را بازبچه فرض کرده کاغذ پاره میخوانند، از این رو تا کنون هر قانون که بطبع آمده مجری نشده و محو شده .

انجمن ولایتی هم که در این مدت دایر است جز اسم بلا رسم نپیداشد دو ایندست بندر دره برای ملت کار نکرده و تا جناب عمادالملک حاکم شد نخواهد کرد ، زیرا بواسطه اقتدار و نفوذ ابا و واجدادی هیچکس قدرت حرف زدن برخلاف او ندارد ، عوض شش نفر وکلای ولایتی دوازده نفر بلکه تازگی چهارده نفر شد ، اند که نصف آنها بسته بحکومت یا بدر زن یا داماد یا مشیر و مشار لو هستند ، غیر از یکی دوسه نفر آنها هیچیک به بلاد خارج مسافرت نکرده و از تاریخ ترقی و تزل دول و مقتضیات امروزی اطلاعی ندارند ، روزنامه ، بهخوانند ، و در خیال خواندن هم نیستند ، گاهی اگر صحبت شود تمام جراند را غیر از الهلال که آنها مقصودش از این اظهارنمایش عربی دانستن است مرخرف و چرند و برند میخوانند اگرچه تکذیب جراند را غیر از شخص متولی از دیگری نشنیدم لفظ جمع اشتباهی است

اگر وقتی یکی دو نفر از وکلاء جرئت اظهار مطالبی کنند کسی اعتنا نمیکند و لاجل میاند مثل اینکه چندی قبل حکم کردند از وجود دلال و میراب ضرر و خسارت بمردم میرسد که عموماً شکایت دارند خوب است این دو نفر باشند ، چون این دو نفر بسته بصاحبان و نایب بودند ادا بشرفت نکرد ، ولی حاجی میر حسین علی واعد که برخلاف میل حاکم همینقدر کذفته بود ، حاکم مسئول نظم ولایت است و باید دفع سارقین را بکند ، بچاره و با توسط مأمورین ، لاط و شداد انجمن خواسته و شخص متولی که ملتت کسی نیست و جزء وکلاء انتخاباتی و مشیر و مشار حکومت است سید بچاره را مخاطب کرده و ناسزا باو گفته و برای بد ما تهدیدات خیلی سخت بمزنی الیه نموده و هرکسش کرده و این بیانصاف مردم که گوش

تا گوش نشسته بودند احدی بجایت سید بچاره بر نیامده و کله حرف حق نکند چندی قبل بواسطه عدم پذیرفت سکارها و اعتراضات مردم از وضع انتخابات سابق و انتشار انجمن ولایتی عموم مردم از مشهد استدعای تجدید انتخابات را نموده و ر طبق استدعا حکم صریح صادر کردید که از روی قانون وکلاء ولایتی را معین نماید ولی بعد از سه ماه معطلی و تعطیل انجمن ولایتی عاقبت یکروز در عمارت حکومتی چند نفری را برای تجدید انتخاب خبر کرده و بدون پرس و سوال آقای عمادالملک و آقای متولی نره و دند ، هرچه فکر میکنم از همان وکای سابق بهتری در ولایت نداریم ، پس خوب است خود آنها باشند از احدی صدا بیرون نیامده مگر آنکه سیدی همینقدر گفت این مجلس تشکیلات برای تجدید انتخاب بود و حالا معلوم میشود که از تجدید انتخابات هیچ نری نیست ، فوری متولی گنت سید (بتوجه) کسی حق حرف دارد که ده تومان مایات بده باشد و بجاه تومان اکتساب بازوی ، مگر نی بینی کثرت آراء وکلاء سابق قرار گرفته ، سید بچاره باعالی خفت و خجالت کنار رفته و متعهد شد که بعدها هیچ نگوید و مجلس ختم شده و دو روز بعد هفت وکلای سابق که شش نفر قانون و هشت نفر اقتضاری بودند نشسته و انجمن افتتاح شد راستی از جمله خدمات وکلاء انجمن اولیه هم (در مدت تعطیل انجمن) مهره شخص عالی سپرده شده بود و تا افتتاح انجمن حق بداشت یکی بدهد (بحکومت این شد ، که شبانه ، تحریک متولی چندین عریضه نوشته و صبح آروز نزد آنشخص رفته و بچاره صاف درون بیاملاع را اسفال کرده عریضه جات خود را سر کرده و بعد که کاشف بعمل آمد و معلوم شد (چون رئیس پست از نره اول منروطه خواهان و تازه باین ولایت آمده و الا از یکجا برای رفع خرابیها و نشر معارف و ترویج امتعه وطنی انجمن خیریه دایر کرده و وجودش و کارهایش منافی پلتیک حکومت بود) بمهر انجمن عریضه جات متعدد باامراف نوشته و رئیس پست را سر حلقه الواط و اشرار و فسدین و مستبدین و باعث بهم خوردگی ولایت و تعطیل

انجمن خود را بواسطه تاسیس انجمن خیریه داده باطراف فرستاده بچاره رئیس پست را معزول و اخراج کند تا احدی از مشروطه خواهان در ولایت نباشد

ما با کمال احترام بحضور ایالت کبرای خراسان و سیستان و آن بزرگانی که در سر لوحه تاریخ عالم افتخار خود را بملاحظه عمخواری نوع و جان بازی در راه حریت به یادگار گذاشته اند صراحتاً عرض میکنیم . اصل مقصود از دولت مشروطه اجرای قانون و تحصیل حریت و آزادی و مساوات و مواسات و برابری است ، و بدون ترویج قوانین هیچ کار مرتب نخواهد شد و ناوقتیکه عمادالملک حاکم و آقا مشهدی علاءالدین متولی مشیر و مشار اوست هیچ کاری از احدی پیشرفت نکرده و نخواهد کرد اگر آسودگی و رفاهیت برادران طیبی خود را میخواهند اکبناً و جداً در قلع و قمع این دو ماده کوشیده منت خود را بر ما بیچارگان بگذارند که تاقیامت بخون خواهیم بود

(لار)

بموجب خلوط وارده کمال امنیت و انتظام برقرار میباشد چند خانه وار از طایفه (نر) که مدتها است در آن صناعات شغل شان دزدی و راعنی بوده به امر حکومت عده از سرماز و تفنگچی توابع رفته دعوائی نموده ایشان را فرار داده اموال مسروقه اگر چیزی باقی بوده تصرف و مراحت نموده اند و امید هست بعد از این دیگر اقدام در دزدی و هرزگی نه نمایند

- در عرض داشت متظلمین میناب

تاکنون در فشار ظلم و استبداد باقی می باشیم و معلوم نیست کسی رهائی حاصل نماید یک دو ماه قبل در (میناب) تشکیل انجمنی باسم انجمن بلدی داده اعضا ، انتخاب نمودند هر چند نمی توانند کاری از پیش ببرند ولی اسمی در میانست بود ، نایب الحکومه (میناب) این مطلب را تا یک اندازه مغل ظلم خود دانسته بطهران اطلاع داده بود ، از طهران جناب معین التجار تلگرافاً به قوام الملک نایب الحکومه (میناب) خبر داده است که اهالی (میناب) چه حق دارند انجمن دابر نمایند ، البته بورود تلگراف انجمن را تعطیل اگر قبول نکردند اعضا را تنبیه و جرم و تبعید نمایند و شیوه

عجا مگر (میناب) و جزیره (هرموز) و جزیره (قشم) از ایران مجزی و خنک دیگری است ؛ هر گاه خاک ایران است بچه جبهه از نصرت مساوات محروم باشند ، و اگر خاک ایران نیست برای چه ایرانی اسر و نسی نماید ؛ نمی دانم اهالی میناب و جزیره قشم و قبر چه مصیبتی نودراند که مستوجب این همه مکافات و مجازات باشند و اسیر ظلم و استبداد یک نفر بمانند ، آیا جناب معین التجار چه خدمتی نموده که باید در هر دوره مالک و قاب بندگان خدا باشد ، در دوره استبداد به قسمی که همه میدانند از منافع معدن جزیره (هرموز) و تصدیات بر اهالی میناب و قشم حیب خود را بر نموده ، آنچه لازم بود اندوخت و کرد هر چه کرد ، ایام مشروطیت رسیده خیال نمودیم افاقه خواهد شد ، جناب معین التجار به وکالت در مجلس منتخب و تصدیات آن بر حال خود باقی مانده ایام مشروطه گذشته و استبداد رجوع نمود ، کذاک با کمال احترام مشغول میکنم خون ملت و جلب منافع مملکت بود ، مجدد دوره میشوم استبداد ارتجاعی سبری شد و زمان مشروطیت و عدالت و مساوات رسید ، اما بجهت جناب معین التجار فرق نه نموده با کمال احترام مشغول برداشتن منافع مملکتی از معدن جزیره (هرموز) و ظلم و تعدی به بندگان خدا می باشد

ای منصفین زمان ، ای اوایای دولت ، ای امنای ملت ، براسیے خاطر خدا قدری ملاحظه فرموده ما اهالی بیچاره میناب و قشم را از ظلم و استبداد ماملین جناب معین التجار نجات دهید و دوائی که امروزه خودش احتیاج به یکتومان پول دارد نگذارید سالیانه مبالغ هنگفتی یک نفر که وجودش بکلی جهت دولت و ملت فایده نداشته و ندارد بمنت ببرد و حیب خود را بر نماید که عندهاقت مؤاخذ خواهد بود

بندر عباس

مصباح دیوان نایب الحکومه بندر عباس که جهت نظم توابع حرکت نموده بود مراجعت کرده و طایا محض استماع خبر حرکت نایب الحکومه نراری شده اند و نایب الحکومه نیز تا یک اندازه وصول مالیات دیوانی نموده و مابقی نیز با اهالی توابع ترتیب صحیح داده در یوم است که مراجعت نمود

اگرچه اسم مشروطه هم در اینجا گوش زد می شود و استماع گردیده و در روزنامهجات نیز ملاحظه و مطالعه می نمایند که شکست استبداد و استحکام مشروطیت ایران شده و بوجب اخبار تلگرافی در جلوس اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی سلطان احمد شاه خدادادملکه و سلطانه افتتاح رسمی مجلس مقدس شورای ملی در طهران گردید و در بندر عباس هم جشن چراغانی باندازه استبداد اهالی گرفته شد و امپدواری حاصل نموده ایم ، ظاهراً تاکنون در این بندر معتبر و سرحد مهم اتزی از مشروطه مشاهده نشده و بکلی نظرتوجه اولیای دولت مشروطه بسوی سرحد مهم مملکت که بادر خلیج فارس باشد منتظر نگردیده و بهمان بی قانونی دوره استبداد بلکه يك درجه بدتر امورات در جریان میباشد ، آیا بجهت این از مشروطه اتزی در این بندر نیست ؟ باینجهت که حکمران از جمله مستبدین زمان سابق می باشد که عمر خود در استبداد صرف نموده و طبیعت ثانوی مشارایه شده ، اگر هراربار بزبان اظهار مشروطیت باید اما بناعده کلیه قلب ماهیت امکان پذیر نیست ،

برای چه بندر عباس قوانین مشروطه اجری نشود ؟ برای ایسکه کسیکه همیشه متمنی وجاه طلب و دارای اقتدار بوده ملاحظه میباید اگر مشروطه برقرار باشد نمی تواند اغراض خود را بخرج بدهد و ریاست نماید و مالک رقابی و نفوذ که داشته باشد ، لاعلاج با نایبالحکومه مع شده پیشکش و تعارف به حکمران داده ضمانت نایبالحکومه نموده بول معتزاز تومان بابت مالیات تقدیم میدهد که این از ومول مطالبات بردارد ، برای ایسکه نایبالحکومه مطیع و انگشتر دست خودش باشد و هر قسم بخواهد بگرداند ، بکدام سبب در بندر عباس عدایه نباشد ، ماین سبب که نایبالحکومه میگوید من مواجب ندارم مخارج من باید از جیب عارض و معروض بیرون بیاید ، هرگاه عدایه باشد کسی نزد من نخواهد آمد ، باین سبب که کسانیکه اموال و املاک مردم بچاره غصباً تصرف نموده اند اگر عدایه برقرار و آزادی شرعی باشد شاید مطالبه نمایند و در عدایه طریش شوند

بکدام واسطه باید نظریه نباشد ؟ یا بواسطه که

هرگاه نظریه باشد دزدی شبانه از دوکانهای تجارتی و خانهای مردم جاوگیری میشود آوقت اعصاب نایبالحکومه که مواجب ندارند فراشبانی و فرانس باید مخارج شان از این عمر باشد که دزدی شود و تهمت بزند و مهر و زید را در شکنجه و حبس و ادیت انداخته از ایشان اخذ مخارج نمایند ،

بالاخره اگر بخوام تفصیل دهم طول ومانع ملال قارئین میگردد ، عباسی مشروطه نیست ، سیه نیست ، عدایه نیست ، مستعدط نیست ، ذخیره نیست ، قورحانه نیست ، بالاخره هیچ نیست سواي ظلم و استبداد ، اندکی جلب توجه اولیای دولت و امنای ملت بسوی این سرحد مهم که محل عبور و مرور جہازات جنگی و تجارتی دول متقدمه میباشد لازم است ، از خود اهالی بادر جنوب امکان نیست ترتیب و تشکیل ادارات داده شود مگر ایسکه عده از جوانان تربیت شده وطن خواه داناء کار کن بجهت تشکیل ادارات و تصیم این بادر از مرکز روانه فرمایند تا ایسکه ترتیب امورات دده در سر اجاب بنمایند که اجرای مشروطه و قون آن و تشکیل ادارات در این حدود شده است ،

چون جناب عالی را اول مرتی اهالی ایران در وطن خواهی میدانم مزاحم بودم مستندی است بر قسم رای مبارک قرار بگیرد از حضور اولیای دولت و امنای ملت ترتیب صحیح بجهت این بادر سرحد برقرار دارند و تمام اهالی را آسوده و دعاگو فرماید — و ما علینا الالباع

واقعات کرمان

بر حسب رقبه يك نفر از وطن خواهان محترم که امروز رسیده در کرمان و نواح بکلی اسم و رسمی از مشروطیت نیست ، آن صفحات نمی دانم چه قسم باشد

از عبارت فوق استنباط میشود که ایالت کرمان فقط نظم و امنیت کرمان را و قرارداداشته والا بقانون مشروطیت رقتار و اقدام ندارد ظاهراً تقصیر هم ندارد ، از روزی که چشم باز نموده در گهواره استبداد بوده و بهمان قاعده بزرگ شده است ، در کدام مدرسه تحصیل رسم و قانون مشروطیت نموده که بتواند بر حسب قانون مشروطیت تشکیل دوائی بدهد و اجرایی اوامر مشروطه نماید ، خیلی باه

رضامند بود که باین قسم رفتار دارد و نظم و امنیت برقرار داشته و اسباب آسودگی اهالی و رفع بیانه اجاب را نموده است ، چنانکه داشت علاوه از این نباید داشت

نگارنده محرمی میبود

(ترن موقوف به دیانت است)

کثرت ظلم و جهالت متدرجاً در این مدت متمادی تقدیری در ایران نتایج ذمیمه حاصل نموده که خیلی از مردم ساده لوح مادیان باطن رجوع نموده تصور میکردند که هرگاه یکمفر از عالم باین رشوه میخورد و احکام زور میدهد العیاذ بالله مبنای مذهب حقه شیعه ای شریبه حراب است و باید عموم عاقل را بدگت و توهمی بود و مراعی جاهل که چهار که مرحرف آموخته بکلی از حقیقت مذهب بی خبر خود را هادی و دای خوانده بچاره عوام کالاعام را ترب داده برام های باطل دعوت میکردند ، روحی جهالت که بالمره پشت با مذهب زده خود را از قید تکلیف آسوده نموده این بی دینی را تمدن نام نهاده هرکس اندک تتبع در کلمات کلمات حضرت مولی والی داشته باشد که آن بزرگوار بدون تحصیل دروس جاهلیت در میان قوم و حتی که الاعراب اشد کفرآ و ساقا چه کلمات بیانات و مواعظ حسه و حطب و احکام که فحول حکمای متاخرین و متقدمین روی زمین در فهم آن کلمات بیانات عجز آورده از آت مصدر علم و حکمت روز نموده بدون در خواست اعجاز ادعان بحقیقت این مذهب حقه نموده مخرقات عامیانه هر عامی گوش میداد

گذشته از همه این مطالب تمام حکمای روی زمین بعام عالم را بسته بدین میداند البته کتاب مرحوم سید جمال الدین کبیر اسدآبادی را که در رد بجزیه های هندوستان نگاشته اندک دیده که تمام استدلالات آن مرحوم راجع بهمین مطلب است که دین باعث بعام عالم هست و کدام دین حق است یا بیست جای خود را دارد ، دین برای نوع انسان و بعام عالم لازم است

امیراطور آلمان بعد از شکست روس از ژاپون نسبت شکست روس را از عدم دیانت ملت روسیه

و فتح ژاپون را از دیانت آنها دانسته ملت خود را توصیه میفرماید که باید دین خود را محکم نگاه داشت و حال آنکه مردم ژاپون (بوده مذهب و بت پرست) میباشد

یا للمعجب همین قدر که امروز ایران را از تصرف اجانب نجات داده از برکت وجود مقدس علمای بزرگوار است که باید هزار درجه بر ارادت و دیانت ماها بیفزاید ، اگر کسی در اخبارات نسبت به یکی از علمای ظالم جبارت نماید مقصود آن اشخاصی است که صاحب شرع مقدس آنها را مذمت فرموده ، چو رت یک خرابی ایران از این نمره ملاها ما میباشد که مبین ظلمه بوده ملامت را بروز سیاه نشاید نهانه او را همه کس دید و شنید که محبت برگشت استبداد صد هزار نفس را بخون خود آتشته نمود ، ای برادران وطن بصاحب شرع مقدس قسم که هر قومی پشت یا بذهب زدند اقراض می یابند

حاج میر حیل المیزبومیه از خانه واده علم در این مدت هیچ اخباری دیده نشده که ملت ایران بدیانت حقه توصیه فرموده ، هزارها صاحبان ادیان سحینه از حق گوئی با ایشان دشمنی و ضدیت دارند ، آیا همچو شخص متدین که خود را خادم اسلام علم کرده امکان دارد که بذهب خود توهمی نماید اگرچه مقاله مندرجه اخبار بومیه را ندیده و انتشار نیافته لاکن از خارج معلوم است که مقصود چه بوده ، مقصود این بوده که غاصبین چوشت خلافت را تبدیل بسلطنت نموده همان اعرابی که خداوند در حق آنها میفرماید ، الاعراب اشد کفرآ و نفاقا ، در ایران سلطنت یاته و نفاق و سایر صفات ذمیمه آنها در ملت ایران اثر کرد

والا العیاذ بالله شرع مقدس اسلام که موافق با تمدن و تهذیب است و رسم آن در ممالک متمدنه موجود و اسم آن برای ایران باقی است هرکس برخلاف آت اعتقاد نماید تمام عقلای روی زمین بر آن میخندند ، استدلالات سنه ماضیه حیل المیزبومیه ابتدای مشروطه که هر شماره آن تطبیق با قوانین اساسی ایران است با آیات و اخبار موجود است ، هر حال از این جمله معترضه میگذریم

البته اولیای امور در مقام استیضاح اینها که

رفع شبه از مغزین خوانند فرمود و حامی استقلال
 چین و وطن را آزوده نخواستند گذاشت ، حاصل
 جلب آنکه عموم علمای بزرگوار ما که در مقام علم
 و عمل و تقوی ثابت قدم میباشند چه در خارج چه
 در داخل ایران اطاعت آنها فریضه دمه آحاد و
 افراد ملت است چه به ملاحظه آخرت چه به ملاحظه
 دنیا ، امروز احکام دولت را آنت نفوذ نیست
 که در خلوت و جلوت افراد ملت اطاعت نمایند
 لکن احکام الله که از مصدر رؤسای روحان صادر
 میشود کسی که دین دارد هرگز در خانه واطاق
 خود بجز نخلاب نمی نماید و مشروطه خواه حقیقی
 کسی است که اطاعت رؤسای روحان و قانون اساسی
 وطن خود را جداً اطاعت نماید ، بعضی سرخرفات را
 که مستبدین سلب و مشروطه خواهان کادب جلب
 یا جبرال قوم در محافل میگویند ، بطرکیر ملاما را
 غرق کرد و نادرشاه چه کرد ؟ تمام برای اتقاء بقه
 در این ملت جاهل است ، ملامهای اروپا تصرف
 در مالیات و مایه دولت می نمودند تجملات بجهت خود
 و کلیسا زیاد میکردند سلاطین را دست نشاند خود
 قرار داده بودند با آنها حالی کردند که حق شما دعات
 در مالیه دولت که باج میگیرد نیست ، بحدک نهایت
 احترام را هنوز از آنها می نماید بلکه پیش خیمه
 اردوی دولت خود میباشند ، مردم را بعلوم جدید
 دعوت می نمایند مری عموم ملل خود را میدانند
 حاصل آنکه هر مشروطه خواه یا مستبد که
 عنوان بی دین نماید و مشروطه را مخالب ما دین
 و آئین بداد زندیقی است جاهل که دشمن هیت
 حاکمه مذهب و ملت است و میخواهد در مملکت
 افساد نماید .

احترامات علمای فریضه دمه آحاد و افراد ناس
 میباشد ، توهین آنها توهین خدا و رسول و باعث
 نزوال ملیت ایران ، مگر علمانهای ظالم یعنی شبه
 آنت بزرگواران که لباس علم را اسباب دخل و
 رشوه و تاراج مردم قرار داده احکام بغیر ما
 انزل الله می نمایند و در زمره (من لم یحکم با
 انزل الله فاولئك هم الفاسقون) داخل شده ، و همین
 اشخاص دشمن عدل و مشروطه و حساب میباشند
 زیرا که دخل آنها تمام میشود ، امیدواریم عموم ملت
 ایران هزار درجه بیشتر از پیشتر به اطاعت اوامر

علمای اعلام و حجج اسلام حاضر باشند چرا که
 در دولت مشروطه ای بسا باید قوا از حجج
 اسلام داده شود که عموم مردم و زن صغیر و کبیر
 اطاعت نمایند ، مثل حرمت امته فلان دولت که با ما
 مخالف باشد وغیره ، پس احکام آنها که احکام الله
 است حکم توب کرور و شمشیر قاطع دارد

بوقلمون طبیعی ما اصفهانی ما
 سبحان الله از بوقلمون طبیعی ما اصفهانی ما در
 زمان استبداد ظل السلطان چند نفر از خدا ناشناس
 بسبب جینی ماها را زور خرید خود بنداشتند باعراض
 نفسانی دست ظلم گشاده ما مظلومان را طعمه ساخته
 و خود را بیس و اخذ اموال ما بیچارگان مشغول
 داشتند بواسطه اختلاف عقیده بنای افساد فیما بین
 علماء گذاشتند تا رفته رفته رشته و داد چهل ساله
 گسیخته و سایر مالا مال شان برحاک مذلت ریخته شد
 بنای اتعاق دولت و ملت ایران استقامت این جمع
 را در هم شکست اینک که مشروطه و عدالت برقرار
 و در اکثر بلاد پایه عدالت استوار گردیده بار
 این چند نفر فوری لباس را تغییر داده و به قلب
 و تدلیس به لباس تملق و تلیس درآمده با کسایکه
 خصومت داشتند به ضرورت انبیس و جلیس شده
 آنها را باز فریب دادند با آنکه در اصفهان مردود
 هر عارف و حامی بودند امروز باز بر سرکارها قائم
 و مردم از ظلم شان عاجز شده اند ، وقتی مردم قصد
 خرابی خانه آنها را نموده رشوه و رشوه و اسباب
 جینی در مشروطیت مربوطیت پیدا نموده در مجالس
 مشیر و مشار و در ضبط ملک و مال بیچارگان
 صاحب اختیار گردیدند ، یکی در عدایه مشغول ظلم
 و هوای نفس و دیگری در کیسیون مایه صاحب
 حکم و بر ما ققرا حاکم ، سوی ما مالک جهنم قومی
 پیدا کرده از ملک و مال ما بد محتات چیزی باقی
 نگذاشتند وقتی بفروش عبا ی مائینی اشتغال داشتند حالا
 فروش طلا اعتنا ندارد خداوند برباد ما بیچارگان برسد
 فریاد از استبداد پیدا از مشروطه در هر دو زمان
 خون جگر میخوریم اگر این قسم که حالیه با ما
 بیچارگان رفتار مینماید چندی بگذرد مردم باز از
 استبداد استمداد خواهند جست ، حق همان است که
 روزنامه حبل المتین نوشته کسایکه در دوره استبداد
 برکار بوده اگر در مشروطیت هم بروی کار آیند

ملك و ملت را بجای نفع نقصان خواهد رسید
جانیه امروزه میرسد

مکتوب عربستان

اینکه به اداره مقدمه نوشته اند جناب (فخرالملک) حکمران وارد شده نایب الحکومه خارج گردیده است. هر کس میدانند در تغییر و تجدید حکومت دیگر اعمال سابق بتداخله محق نیستند و اگر بخواهند به کنند هم دیگران تمکین نمی نمایند و هم همه بی جا می شمارند. اما آنکه نکاشته اند عجب این است وقتیکه تمام ایران مانند دریا متلاطم بود صحنه عربستان وادی خاموشان گشته می شد اینک که همه ایران امید حاصل نموده عربستان سربلند کرده است. چه واضح است آه وقت شوشتر و دزفول نیز تحت اداره سردار ارفع امیر نوین بود بصیرت قدرت همه چیز داشت خلاف انتظامی نمی گذاشت و برای حرکت مذبح بعضی و مختصری هرج و مرج ایام فترت که چون مواقع طیبی است نه بر ایشان و بر جناب فخرالملک حکمران جدید بر هیچیک بحثی نیست، خاصه که همه حال سطوت سردار ارفع همیشه مانع اعتشاش کای در تمام نقاط این خطه بوده و هست و چند هفته است جناب فخرالملک حکمران نیز ورود و ار هر بابت ولایت را حسن اداره فرموده است و طامراً همین اوقات هم به حدود محرمه برای ملاقات سردار ارفع تشریف فرما باشد و بمن این مواضت هر مشکلی را آسان نماید. اینک نوشته اند همین قدر باید دانست که از این مرتا آن سر عربستان اسمی از مشروطیت نیست بلکه میتوان گنت مشروطین به نظر مجرم دیده میشوند. بدیهی است مشروطه که به خیلی شرایط مشروطه است جای خود دارد چیزهای بی شرایط نیز آنی الحصول نخواهد بود آنها در مثل عربستان جان و میان طوایف بدوی، در کدام نقطه ایران مشروطه با شرایط جاری گردیده که عربستان شده است، از بنادر خلیج و سایر نقاط همایه که هیچ خوب شنیده نمیشود بدون آنکه از تضایق بادر و مستبد اعظم آن اسم و آثاری در عربستان دوست های خارجی در میان باشد، بعون الله هنوز چیزی از ورود حکمران نگذشته امور انتخابات و انجمن پیشرفتی کرده است وکلای توابع نیز عنقریب

همه اجتناع خواهند کرد و تاکنون آدم مشروطه خواهی اینجا به نظر مجرم دیده شده است، و درجه میشود عرض کرد اگر قاطن این صفحات بی بره از علوم عالی هستند پاره دقیق بلتیکی را نیز نمی دانند. آنکه نکاشته اند لطیف تر از همه زمزمه ایت که در هیچ زبان بگوش نرسیده بود این روزها شنیده میشود که حکومت عجم نمیخواهیم و چنان مسموع میگردد که اتحادی بین شیوخ در این موضوع قائم شده است. اولاً در صورتیکه حکومت و ریاست اکثری از نقاط و عشایر و ایلات مثل (فوجان) (نمین) (ماکو) (بشت کوه) (بختیاری) و غیره با امراء و خوانین و رؤسای خودشان است چه خرق عادت و گناه خواهد شد صحنه از عربستان هم باشد و انگلی حکامی که از دارالخلافه می آیند یا یک اردوی عظیم جدیدی با خود باید بیاورند یا نظیر حاکم حالیه بنادر جناب میرزا احمد خان دریایی به نوعیکه در ج-راید دیده و از مؤمن شنیده میشود بایست باوجود مشروطه در ظرف چند ماه گاهی آقلی امری و تنگستان و گاهی بستک و گاهی تیب کوه و امور گمرکی را عنوان نموده احداث فرع های بی ثمر زیاده بر اصل و خرج تراشی و اخذ و عمل نمایند و دائم وسیده برای اعتشاش داخله و بالاخره برای دخالت اجانب بسازند، به قراریکه خارجه ها میگویند اخیرتبه در موقع اطفای غائله (بی طرف) سردار ارفع بیست و پنجمزار کس و بموجب آنچه داخله میگویند خیلی زیاده با استعداد کامله مهیا کرده بود و واضح است دیناری نیز خارج نخواسته حتی مالیات را با التماس برداخته اند، ثانیاً معیناً حکومت عجم را رد نخواسته بخوبی پذیرفته اند، ثالثاً اتحادی بین شیوخ نشده و اگر شده دور از شرایط مشروطیت و دایره خدمت نبوده است زیرا که ابدأ علائم طغیان و عصیان محسوس نگردیده و هر گاه دایه های از مادر مهربان تر بگذارند هرگز مشهود نمیگردد. بهر حال باثقل امور عربستان بحدائقه در هیچ خصوصی نگرانی ندارد جناب حکمران جدید به اصول تازه رفتار می نمایند و سردار ارفع هم که سابقاً و لاحقاً اظهار و انبات همه طور مشروطه خواهی و همراهی فرموده و میفرمایند جناب

عزداشت

از جهاز محمدی - از بوشهر الی کنگه
(۸ شهر ذی‌عده الحرام سنه ۱۳۲۷)

از انجمنی که خاطر مقدس همواره مصروف
و داد خواهی ابناء وطن و اصلاح نواقص وطن
است لذا در مقام زحمت افزائی برآمده بدین محترم
مصادعت مهورزیم و سنناً فی الجملة از تعذبات و
احجاباتی که نسبت بحجاج در بصره شده خاطر
انور را مستحضر مینمائیم که شاید الی بعد مسافرن
و حجاج بیچاره از مراحم کامله و اندامات لازمه
محضرت در توجه مدیر محترم کپانی جہازات عجم از
کلی به بخشد و در ولایات و بنادر و کپل لایق
و قابل مقرر دارند که غرض و مرض ذاتی
با ایرانیان بدبخت نداشته باشد و بیچاره مسافرن
ایرانی آسوده باشند .

در ۲۴ شهر شوال بعزم بیت‌الله الحرام از بغداد
وارد بصره شدیم بعد از تحقیق معلوم شد که
جہازی که بجده برود نیست مگر جہاز محمدی که
متعلق بکپانی عجم است بحردی که شاید متعلق
بایرانیان است باندازه خوشونت شدیم که گویا
خداوند عالم دنیارا با داد که الحمد لله هموطنان بیور
مأم آزاری در عالم گذاردند باکمال بشاشت با جماعتی
بعزم ملاقات وکیل کپانی مذکور و اخذ بلیت جہاز
مذکور از منزل بیرون آمدیم ، بعد از تحقیق معلوم
شد که قاسم پاشا خضیری وکیل کپانی مذکور میباشد
رقیم مشارالیه را ملاقات نه نمودیم با کاتب های
ایشان چون عربی نمی دانستیم هم صحبت نمکن نشد
رقیم و یکنر ایرانی که عربی می دانست پیدا نموده
براه بردیم وجوبای قیمت بلیت جہاز شدیم اظهار
نمودند که قیمت درجه اول بیست و پنج ایره و نیم
و دو روپیه و درجه دوم در هجده ایره و نیم
و دو روپیه و سطح در پنج ایره و نیم و دو روپیه
با وجه قراطنیه . با هم صلاح رقیم و مقصود مان
این بود که شخصاً خود وکیل را ملاقات نمائیم بد
از چند ساعت خود قاسم پاشا خضیری آمدند و بدون
اینکه گفتگوئی در خصوص نول بنائیم گفتند و
بهریگت که اینها بروند نزد کاتب من وقت اینگونه
گفتگوها ندارم ، حقیقۃ ملاحظه نماید که ما ایرانیان
چقدر بدبخت میباشیم .

آخر ما به محض وصول بشارت افتتاح پارلمان و
استقرار بیت‌الآمال ایرانیان با شوق و شغف بی‌پایان
غوراً امر و اشاره به شدت شادمانی و تریه اسباب
جشن شایان نموده در عمارت و هواپر متعلقه بخودشان
خصوصاً در کار گذاری و گمرک و خانه جناب حاج
رئیس پیشکار و شهر و بازار عموماً چراغانی کامل
کرده دعای بقای مشرومیت و دوام دولت قویشوکت
اقدس خسروان را یک زبان سائل شدند ، و در
این ماده علاوه بر صورت ظاهر خیلی دلایل نامر
تیر هست ، منجمه نه حالا فی الحقیقه عهد استبداد
در محمره حکم به تشکیل بدیه داده اند و جناب
حاج ناصرالتجار تأسین نموده است ، ریاست عدایه
در معنی تعاونت جناب حاج مشرتجار که از ترقیات
این عصر کمال استحضار را دارد بعهده جناب حاج
رئیس است و نظمی به معتمد السلطان آقا عبدی
نایب الحکومه است و اگر نواقصی در این دواپر
موجود یا یک دو اداره از قبیل معارف و غیره منقود
است اشائالله رفته رفته آنها هم اصلاح و روی
جراه خواهد شد چنانچه به قرار مسوع خیال بنای
مکتب و مدرسه بزرگی دارند و با اینها البته باید
از این اقدامات تمجید و از ایشان و حکمران
عربستان تشویق و نه آنکه خدای نخواستہ دل سردی
این سردار نامدار و آن حکمران مالی نشاوا نهیوز
کرد ، وقتی حکام و مأمورین به یکدیگر غبطه
به جلب منفعت میبردند ، وحالا امیدواریم به محسن
اداره و خدمت بخورند و این دو بزرگوار خطه
عربستان را رشک ایران به کنند

(۲۰ دیتمه م . م . ح . خ)

جبل‌المتن

آرزوی ما جز این نبوده و از مانند حکمران
کلی عربستان آقای فخرالملک و جناب سردار ارفع
همین گونه توقعات را داشته و خواهیم داشت و
امیدواریم چنانچه صاحب مکتوب نگاشته بهمت این
دو راد مرد خطه عربستان رشک ایران گردد ،
جبل‌المتن را از آن بیانات جز اصلاح امور قصدی
نبوده و هرگاه در نواقص آن خطه سخنی راند جز
تکیه بر نواقص آن خطه است

بهر حال با هر این مطالب چون جهاز دیگر نبود و مراجعت هم میسر نمیشد رضا بقضا داده دیگر برا فرستاده بوجبی که میل کاتبهای وکیل مذکور بود وجه دادند بلیت ندادند و قبض دادند و گشتند که وقتی سوار مرکب شدید آنوقت بلیت داده میشود. بعد از آن بدون آنکه یکروز قبل بحجاج اطلاع دهند که تدارکی نماند وقت مغرب خبر دادند سکه جهاز امشب ساعت (۹) حرکت مینماید، ملاحظه فرمایید چقدر اسباب زحمت بجهت حاج بیچاره است، معذاکم بهر قسمی بود در انشب رنتمد و مجدداً از هر یک نفر یکرویه بعنوان قیمت بلیت گرفتند و سوار کردند و بلیت همه را دادند بعد از آن که ملاحظه بلیت ها را نموده دیدیم که اولاً امداد در بلیت ها از ایره اسی برده نشده و ثانیاً هر بلیت از پنج روویه هفت روویه سیزده روویه الی بیست هفت کتیر نوشته شده و حال آنکه بدون استثناء از تمام حاج پنج لیره و نیم و دو روویه و یکروویه قیمت بلیت گرفته اند، دیگر آنکه در بعضی از بلیت ها که دیدیم بجان نوشته بودند و حال آنکه در تمام حاج بیست چهار پنج نفر جمله دار دیگر باحدی بابت بجان نداده اند خیلی اسباب تعجب و تحیر گردید و هر چه خیال میکنیم که آیا این تفاوت وجوه بلیت ها که بجای نوشته اند راجع بکیست و چه خواهند نمود معلوم نیست، دیگر کپان البته در عمل خود بصیرند فقط استدعای ما بحجاج از حضور مبارک این است که عن عراض را در جریده مقدمه درج فرمایند که عنده الله اجر جناب عالی ضایع نخواهد شد

میرزا احمد شیرازی - عبدالرحیم خراسانی - محمد صالح خراسانی - محمد اصنافی - علاءالدین اصنافی - عبدالرزاق خوئی - مشهدی محمدخوئی کربلائی حسن خونج - محمد رحیم بیدابادی - حبیبالله کاشانی - سید محمد کاشانی - عیدالله بن یوسف حویزروی - میرزا محمد سلطانی - عبدالسید بن عبدالله - خضر بن محمد غونجی - احمد آقا خوئی - مشهدی حسین همدانی - مشهدی محمود همدانی - مشهدی علی کاشانی -

مکتوب از اصنافی

در واقعه موله گرفتاری جناب مستطاب آقا

میرزا سید حسن محض دانشمندی و تسکین خاطر باید گشت حاجی از اجرای قانون است ولی در واقع بقیده صاحبان عقول سلیمه کاشف از بی قانونی و اعمال غرض و رعایت ناکردن پاس حقوق خادمان ملت و مایوس از حسن طاقبت است، آنها که در حضور مراراً شامه عادل با شمشیر و کلوله بجهت استبداد بر علیه ملت قیام نموده اند امروز هر يك بحکومت و ریاست منسوب و صاحب اقتضارات و خود را ملجاء و پناه قرار داده اند ولی يك شخص محترم که عمری در خدمات ملی بسر برده است برای يك بهانه بی معنی و اغراض بیگانه همکار ممرض خان باید باین قسم محکوم واقع شود از هر مقدمه میتوان بقتین نمود که باز بیگانه از دیگر مشروعه بازی نصیب ما خواهد شد و باز اغراض ناکسان کلمات استبداد را جمع و در که بعضی ها ذخیره خواهد نمود و برای تخریب بنیان قانون تریه خواهد دید، واقفاً وضع غریبی است مجدداً اسلام که خود با زبان خویش اقرار نمود حرکات و خیالات خود را هیچ نوع مجازاتی نیافت اگر هم محکوم شد بالاخره هیئت وزرا نمی دانم بجهت ملاحظه برخلاف حکم او را خلاص و فقط از شهر طهرانش تبعید نمودند و بچاره دیگر که هیچ نوع خیالی در اعمال او تصور نمی شد و فقط مقاله دیگری را که آنها چندان اهمیتی نداشته درج کرده است باین قسم محکوم میشود، باری همان است که مرقوم شده (چنان نماید چنین نیز هم نخواهد ماند) اوضاع طهران از قرار مکاتیب بواسطه یارتی بازی و تشتت آراء و پیدایش فرقه های مختلفه رموز خوشی ندارد، مابین سردارین و قتی زاده کدورتی حاصل است که پس از انعقاد پارلمان امید است رفع شود، در این چند روزه جهت طغیان اردبیل استمداد کافی از طهران حرکت نموده از اصنافان هم وزیر داخله سوار خواسته است، معین هاپون برادر سردار محتشم که سه روز است تنها بطهران حرکت کرده

امنیت داخلی اصنافان از این قرار است که روز بیست پنجم در محله شمش آباد سکه با اربک حکومتی فاصله ندارد پنج شش نفر با تفنگ حاجی حیدر نام نجف آبادی را مقتول نموده فرار کرده اند

و با وجودیکه نیم ساعت پیشتر از ظهر نگذشته
 هوا هم بر نبود اداره نظایه هم داشتیم ایالت هم
 حاضر انتظام شهر هستند آن پنج نفر بقسی فرار
 کرده اند که تا امروز که روز چهارم است هیچ
 آری از قاتلین ظاهر نیست

از قرار تقریر بعضی ارباب بصیرت و اهل
 محل محرکین این قتل فتعلی خان یاور نجف آبادی
 و دو نفر پسرهای او بوده اند و مابین آنها و
 شخص مقتول از دیر زمانی دشمنی و خصومت بوده
 است و بر جناب صمصام السلطنه هم دشمنی آنها
 ثابت است ، چنانچه مکرر فرموده اند خودم
 از پسر فتعلی خان یاور شنیدم که می گفت اگر
 از ترس جناب اشرف نبود من خود حاجی حیدر
 را قطعه قطعه می کردم عجمه حکومت جدا در
 سدد داد خواهی هستم خود فتعلی خان هم
 گرفتار شده پسرهای او در منزل حضرت سردار
 ظار بست نشسته جناب سردار هم بواسطه کوشه
 که فیما بین هست از این اتفاق که کاتب از بی بطمی
 و اغتشاش است چندان در خیال نیستند و برای
 حمایت محرکین هم بجهانی جداً اقدامات دارند

فوج جلالی هم از سابق سپرده سردار ظفر
 شده و اینک برای وصول خانواری باصفهان
 آمده اند و با انجمن در مذاکره هستند انجمن
 رضا نمی دهد تمام خانواری گرفته شود و باسم
 اینکه صاحب منصبان خیلی حید و میل میکنند
 حماقت از وصول خانواری دارند سردار ظار هم
 بحکم وزارت جنگ دریافت تمام خانواری را در
 مد نظر گرفته مشغول کشمکش هستند از آن طرف
 بجهانی که میدانید کلاً گرفتن با ایالت و انجمن را
 پروا ندارند و از بروز بعضی بی طمی ها و
 بی اعتدالی ها در قلمرو برادر والا گهر بامناً
 خوشوقت هستند ، مختصراً امروزه خانه جناب
 سردار در بست بودن تالی مسجد و قونسولگری
 دولتی است .

انتظام الملك برادر سهام السلطنه عرب چندی بود
 در حوالی اردستان بنا بر این اغتشاش را گذاشته
 تا بالاخره بموجب حکم وزارت داخله عده سواری
 از اصفهان بسرکوبی انتظام الملك باردستان فرستاده
 شد و پس از حرکت اردو انتظام الملك فراراً از

راه دیگر باصفهان آمد و در قونسولگری روس
 پناهند شد ، پس از ورود سردار ظار از قونسولگری
 خارج و بمنزل سردار نجمن جست عجمه از ابدله
 است ، و با آنها غارتگری و ظلم زبان درازی
 هم پیدا کرده است مقدر را باید مجازات داد ولی
 در اینکه که رسم مشنوم بست معمول باشد در
 چنین مملکت هر دزد عابد متنی و هر حیانت کار
 امن مقدس و هر یای طای مطیع منقاد و هر آزاداو
 کافر حرب است

اداره ولایتی چند روزی بود رای نرسیدن
 حقوق تعطیل و بالاخره با زحمت زیاد باز شده و
 حال نوبت اداره عدایه است آنها بواسطه نرسیدن
 حقوق دوشرف احوال است ، رئیس اداره عدایه
 نیز مستعفی و یکی از منسومان جناب اشرف حکومت
 کبری بریاست منصوب شده ، تا به بند وزارت عدایه
 مجتبی می آید یا حیر

انجمن ولایتی هم تمام همش صرف آن است
 که بول ملت از میان رود حتی برای تجهیز قشون
 و انتظام ادارات و تربیت امور ولایت هم صرف
 نشود هنوز گمان می کنند در دولت مشروطه مالیات
 کمتر گرفته میشود و تخفیفات زیاد میشود و دارند
 در همین خط کار می کنند ولی مزه در آنجاست
 که با آن اهتمام باز آنها که صاحب قدرتند و دارای
 رتبه اول نفوذند همان بول را گرفته و بغیر محل
 صرف مینمایند مابین و کلاً هم چندان اتحاد دیده نمی
 شود اگر نبود رای یکی دوشرف آراء دیگر فعالیت
 ندارد باید تمام انجمنهای ایالتی و ولایتی صاحب
 جبل الملتن را که در دو هفته قبل درج کرده بود
 معمول و بکار بیاورند

علماء اعلام هم از دیرباز انجمنی باسم اتحادیه
 علما برقرار و هفته یکروز یا دو روز در آن
 انجمن مجتمع و از مردی سخن میگویند ، رسومات
 و تکالیف و تشریفات زیاد است و همین ها علت
 بقای آن انجمن شده در مقولات هم تصرف می
 کنند و بر انجمن ولایتی حاکم و از روی صدق
 نیست توقع اطاعت هم دارند ولی هر اران شکر که
 صرف مآکولات چندان بجالی برای تصرف در
 مقولات باقی نمی گذارد

حضرت آیت الله آقا نجفی هم خیلی بسکوت می

کدارد ولی شنیدم در مورد قتل پرویز چون
قاتل و محرکین از مرده سابقین بوده اند مقتول را
افر خوانده اند و حتی عسال ها را هم مانع از
کفن و دفن جسد مقتول شده اند و دو سه روز
جسد مقتول متحیر زمن مانده بود بالاخره توجهات
حساب اشرف مرده مدنون و حضرت آقا ساکت
شده اند

نهر مکرر بدنی ؟ -

(بهمان)

مدت دو ماه متجاوز که هر هفته در خطوط
متواتره دیده میشود که از عدم حکومت بهمان
طرق و شوارع عام مسدود است مال التجاره که از
دریا مرسد در بندر دیم گذاشته و عابری و قوافل
از بندر مذکور حرکت نمیکند و اجناس مال التجاره
به بهمان هم مدت است حل نمیشود عات نا امنی راه
کسخدایان (زیداسد) که میدان حرب و جنگ را
کنار رودخانه (زیدان) قرار داده اند تا کنون
ناثره قتال و جدال مشتمل است بلکه صریحاً
خبر رسیده که چند نفر از طرفین هدف گلوله شده اند
بعضی مقتول و برخی مجروحند ، تا حال داد رسمی
بفریاد ایشان نرسیده که حرفین را از هم جدا کند و
(بمصون اما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخیوکم) ،
اصلاح ذات البین نماید بلکه افتتاح آمد و شد قوافل
وعابرین رحل مال و اجناس گردد که رواجی درکار
و کسب عموم اهل شهر و اهالی و قرا و زرعی
پیدا شود ،

نهایت امیدواری از لویاء دولت ابد مدت است
که انشاء الله بعد از ورود حکومت به بهمان عاجلا
امنیت ، اتحاد ، آسودگی عموم را خواسته باشند و
تجار و کسبه و قرا را بدعای دولت جدید مشغول فرمایند
قطر چیزیکه مقام تحسین عموم تجار داخله و
خارجه است امانت پوستخانه مبارکه به بهمان که از
توجهات فوق العاده حاجی عبدالغنی رئیس پوستخانه
که تعطیلات بسیار عیدین در محل و نقل امانت و
خطوط داده که بهیچوجه خطری حاصل نشده ،
(سید احمد دهمتنی)

واقعه اسفناک نشاپور

(قابل توجه مقام منبع ریاست روحانی اسلام)
مقتضیات هر زبان و تکالیف شرعی فرق میکند

امروزه انتشارات ایران و پیش آمد این مملکت
اسلامی بتسمی است که هرکس در هرج و مرج و
اختلاف کلمه مسلمین سعی نماید بحسب اسلامش نتوان
گفت ، امروز از این سر تا آن سر مملکت مانند دریا
متلاطم است ، امروز سم ستور کفار خاک این مملکت
اسلامی که بخون آبا و اجداد ما مسلمانان آمیخته
می خراشد و بر جو هوا می براند ، آیا در چنین
موقع نازک و طایفه علما انداختن اختلاف بین مسلمین
و شهرت طلی است یا جمع شمل آنان ، آیا امروز
موقع آن نیست که مسلمانان دست بدست یکدیگر
داده دشمنان خارجی خود را از میان بردارند ؟
آیا و بیفته علما مسلمان کردن مردم است یا کافر
ساختن آنها ، آیا و بیفته آنها انداختن انتشار در مملکت
و کشتن بیچارگان است ، آیا اقتضای کنونی اسلام
چیست ، مقتضیات ایران چگونه است ، نباید فکر
نمود ؟ در چنین وقتیکه آواز اختلاف در هر گوشه
ایران و تشتت کله در هر طایفه نمودار است چرا
باید آخوند ملا باقر نام (در روزی) که در سلك
علما بیرون آمده ملا حسین علی و ملا سلیمان
دیزبادی را برای اینکه آنها اسمعیل بدست خود
قتل رساند ؛ این مسئله تاریخی خیلی عجیب است
آخوند مشارالیه بخینال خود قصد محاجه مذهبی به
آنها نموده و در بین محاجه جناب آخوند متغیر
میشود و بدست خود آن ها را بقتل میرساند و
تا وقتی که بحکومت نیشابور خبر میرسد آخوند کار
خود را تمام کرده بود اگرچه آخوند گرفتار
و مغلولاً بطهران فرستاده شده و یقیناً است اولیای
دولت بومائب خود رفتار خواهند نمود

ولی ما مقام منبع ریاست روحانی اسلام را بدین
نکته اهم جلب می نمایم که تکلیف مسلمانان را
با اینگونه ملانمایان معین فرمایند ورنه همین
ملانمایان پیش از قشون روس باستقلال این مملکت
اسلامی زیانب خواهند رسانید ، چنانچه تا امروز
رسانیده اند ، در ایران همه مذاهب موجود است اگر
اینگونه اشخاص کار فرما باشند همه را قصد قتل
خواهد نمود

حیا مملکتی که حاکم دارد مملکتی که عدالت دارد ،
مملکتی که جمیع دول در آنجا نمایند دارند یک نفس
آخوند را به حق اینگونه اولیکلمات ، علاوه بر اینها

خرقة اسمعليه مدعی تشیع اند، چه ضرورت داشت باسم دیانت با آنها مجامعه نموده چنین سلوک نمود؟ واقعه قتل این دو شه بقدری نفرت زا و وحشت انگیز است که قلم را از شرح و بیان آن خجلت می آید، معذک محض آگاهی عموم در آیه بشرح آن خواهیم پرداخت، غرض ازین بیان آن است که مقام منبع ریاست روحانی اسلام بداسه که مسلمانان ایران بجه درد ها مبتلا و بچنگ چکوه اشخاص گرفتارند، بلکه نزر توجیهی محال آنها برنماید و ره هرگاه بنا شود هر آخوند در هر جا باسم شرع خود مفتی و خود مجری و خود میر غضب شود چه انتدای در ملک وجه نامی در شرع باقی خواهد ماند

(محمد حسن الطباطبائی)

حلالتس

از وقایع نگاران موثق جبلالذین خواهش داریم که حقیقت ماجرا را با دانه نوشته تا تقام منبع ریاست روحان قدیم نمایم

تنگراف روتر راجع بایران

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که از جانب دولت جدید ایران بزرای روس و انگلیس در طهران خواهش نیم مایون بپرا استقراض بضانت گمرکات شده (نیم ملیون بپرا عبارت از بیج کرور تومان ایران هت ملیون و نیم رویه هند است)

جبلالذین

شک نیست که دولت ایران محتاج بیک استقراض میباشد و میتوان حسن انتصام کابینه را درین امر تصدیق کرد که این شش ماعه اخیر با این بیپولی با این همه گرفتاری حسن انتصام در کارها داده نگذاردند عرابه دولت از کار بیوفتند و با فشاریکه همسایکان از چهار جانب بدولت دادند در تیاب مجلس استقراض نه نمودند ولو شخصی یا برهن جوامرات دولتی باشد، چا اگر در تیاب مجلس استقراض می شد در آینده بطیر می گردید و نایک اندازه خلل در اقتدار مطلقه مجلس از مالیه مملکت می انداخت و وزرا در مرتبیت مجلس ممکن بود روس قرض بیوفتند، درین موضوع ما خیلی متشکر زجناب مستوفیالمالک هستیم چه اگر محازت ایشان بود سایر وزرا این نکته باریک را ملتفت نشده

فقط ضروریات وقت را ملاحظه میکردند بهرحال شبهه نیست که در مجلس وکلا من باب استقراض بحث نموده بیک فرصه مختصری را تحویز کرده اند ولی ما نمیتوایم کاملاً تصدیق تلگراف روتر را به نمایم که از بزرای روس و انگلیس خواهش چنین استقراض شده باشد، ممکن است از بزرای روس و انگلیس هم ماسد سایرین استذراج شده تا از هر جا که مقرون بصره ماسد استقراض شود و این هم ماسد سایر تلگرات روتر که در ماده ایران اشاعت میدهد حالی از اعرای و سلو باشد، این هم ممکن است که وکای مجلس و وزرا چنین صلاح دیدند، باشد که آرزوی چندین ساله دوتی را که ریح بیک فرضه توام محلق ایران است بر آورد تا اندی از تشیبات استشاش کاراه باز آمده و دوت و مات ایران را فرصتی حاصل آید که در اصلاحات لازمه و تدارک استقراضی بزرگ به نماید، ولی در هر صورت این تصور اگر مبرون بصواب باشد مدبرانه نیست چه دوتی که مناسب دادن قرض بایران میباشد برای این است که دولت ایران را بقسمی به بندند که من بعد بتواند با دیگران روابط کامله پیدا نماید

علاوه بر این دولت امروز رشته امتشاش و امنیت مملکت را در کم دارند همین که این جزئی استقراض شد اسباب فراهم خواهند آورد که دولت آن انتدای که ازین جزئی استقراض تصور نموده از عهده برنیایند و دوباره مجبور بیک چنین استقراضی شوند و بهمین وضع وقتی ملکت خواهیم شد، که خورد خورد مبلغ هنگفتی مقروض شده و هیچ نتیجه هم حاصل نشده باشد، گویا بهتر این باشد که این جزئی استقراض که فتح باب است از خارجه بشود و برهن جوامرات آهم در بنگهای فرانسه و آمریکا نه بنگهای روس و انگلیس در ایران وجهی بدست آورده در اصلاحات بکوشند و صورت ظاهری بکارها دهند و بیک فرضه مقرون بصره اقتصادی از هر جا که صلاح بیند به نمایند و قروض دولت با یکی سازند تا کابینه با حواس جمع بتواند کار کند، اینکه نوشتیم برهن جوامرات در بنگهای خارج ایران بشود برای آن است که سود در خارج با چنین رهن معتبر بصد سه و

اخبارات خارجه

دو و نیم میسر است ، ولی بنکهای روس وانگلیس در طهران ولو جوامرات هم برهن بدایم اقل سودشان صد نه خواهد بود و این فرق برای ایران بسیار است و چون رهن در دست داریم اعتبار درکار نیست از هر نقطه میتوانیم استقراض نمود

ولی از يك نکته عاقل میتوان شد که مجلس حین باید از مصارف وجوه مالیات یا استقراض بگراں نماید ، با این هج و مرج وزارت خانه مسا چگونه میتوان پول در آنها ریخت ، بقیده ما با این وضع اگر صد کرویر پول هم درین وزارت خانه های بی ترتیب ریخته شود اثری از آن باقی نخواهد ماند و هیچگونه اصلاحی هم درکارها نخواهد شد هیچ لازم نیست که ما بگویم پول بی پیر که دست اربابی سرتاپا دیانت که آمد چه حالی پیدا میکند ، با این وضع کنون هیچ دشوار نیست که برای قبولیدن استقراض بمجلس در چهار نقطه انقلاب اداخت و ده تا تلگراف شکایت مختصره کرد و سوق عسکر را لازم قرار داده پول خواست فقط بهانه عدم وصول مالیات و ناامنی طرق و شوارع برای قبولیدن استقراض بمجلس کافی است علی الخصوص که پیرایه باو بسته شود ، یعنی دولتین همسایه هم مائل باستقراض دولت باشند ، غرض این است که قبل از ترتیب وزارتخانه ها حفظ پول و ترتیب کار مشکلی بلکه محال است ، ای کاش وزرای ما با اندازه صد يك آنچه درصدد تحصیل پول هستند در طریق حفظ آن میکوشیدند ، یعنی ترتیبی بوزارتخانه ها میدادند که پول در او بند شود نه مانند آب در عریال باشد ، صاف و بوسکنده باید گشت که ما این بی ترتیبی وزارت خانه ها استقراض دولت استقلال مملکت را مسموم ساختن است و بدون مستشار های خارجی محال است وزارتخانه های ما از صورت شخصی بصورت اداری بگردانند و این امر نقص وزرای ما نیست ، ما هیچ وقت در ایران اداره و وزارتخانه نداشته ایم

بالله ما فعلا نمیتوانیم تصدیق ازین تلگراف روتر نمایم و ازین رو بحث در چگونگی آنهاست میتوانیم نمود منتظریم تا اخبارات طهران رسیده و وقایع نیکاران اداره نحیت امر را به نکارند

نی جہاز (بالرمو) که ذغال از ژاپون در جزیره (آسترلیا) حمل نموده بود مزدوران انکار نقل آنرا از جہاز نموده ناچار کشتگان کپانی (پی . اند . او) بذریعہ عملجات مخصوص خود فرود آوردند -

نی در انگلستان طوفان شدیدی شده نقصانی زیاد رسانده ۳۵ فرود جہاز غرق گردیده است -

نی ملکہ (دینارک) وداع زندگان نمود -

نی (اعلیحضرت منول) پادشاه (برتکین) در (لسبن) مراجعت کردند -

نی مخبر (روتر) از (یکن) خبر میدهد که دولت چین به سفرای دول اروپا درباره اعلان روس در خصوص حقوق اداره نظمیہ اراضی طرفین اطراف راه آهن (منچوریا) شکایت نموده که این قبیل کارروائی های دولت روس برخلاف عهدنامه است -

نی مخبر (روتر) از (عدن) خبر میدهد که در (سومالی لند) سلامت انتشار ظاهر و بر قبائل متحد حمله نموده شده و عدہ مقتول و بسیاری از شتران به نهب و غارت رفته - میگویند که قشون انگلیسی در (بوره) رجعت کرده است -

نی دولت فرانسه حکم ساختن (ه) بلون جنگی داده و يك مکتب برای تحصیل فن بلون سازی تاسیس می نماید

نی اعیان و عمائد (بلژیک) که مشتمل از وزرا - کشیشان و سپاهیان بوده از رأی دادست مجلس شورای ملی و جراندانگلیس برانتمام (کانگو) شکایت به دولت انگلیس کرده و استدعای عدل و انصاف نموده و انسداد این قبیل سخنان را خواہش کرده اند -

نی از تلگراف (واشنگتن) ظاہر می شود که (مستر کلہاون) از قبول سفارت دولت چین در امریکا انکار نموده -

نی میگویند بتدریکه از (سومالی لند) تحت تصرف دولت انگلیس است مسئلہ انتظام آنجا چند روز است زیر تجویز حکومت و امروز اتصال یافته که در آنجا يك حکومت نظامی مقرر شود - چنانچه (جنرل دی برانہ) که سردار دستہ قشون (عدن) بولہ بدان ست رهسپار و این سردار اولین حاکم نظامی است که مقرر شده -

HABUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

▶ نامه مقدسه ◀

المبتليک

(هند و برمه)
(۱۲ روپيه — ۷ روپيه)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران — ۲۰ قران)
(عمانی و بصره)
(هجدي — ۳ هجدي)
(اروپا و چین)

(کلیه امور اداره با)
مدیر کل مؤیدالاسلام است
(هر دوشنبه طبع)
(و سه شنبه توزیع میشود)
(بوم دوشنبه)

▶ عکس گروپ سکرتری نمایندة دولت روس و همسایه ما ◀

(با رحیم خان غدار شرور مردود ملت و طامی دولت ایران در اردبیل)



(قابل مذاقہ ملت ایران و منصفین عالم انسانیت)

این عکس بسیاری از خامضات سیاسی ایران را حالی تواند نمود ، و دتاوی دوستی دولت همسایه ما را بخوبی تکذیب تواند کرد ، و نکات بر باریک را بر منصفین عالم و نوع خواهانان عوام انسانیت آشکار و مبهرن تواند ساخت

دولت روس در اظهارات رسمی خود علت ورود قشون خویش را در تبریز این قرار داده — « رسانیدن آذوقه در تبریز برای رعایای خود و خارجه ، و مانع از ورود آذوقه را در تبریز و حیم خاٹ را جلوه دادند ، چه پس از التواوی رسمی جنگ تبریز قشون رسمی حکه تحت امر عین الدوله بود علاوه براینکه قدرت برنحطی نداشت طهران جلب گردید و بطریق غیر رسمی روسها علت الطل ورود قشون خود را به تبریز و حیم خان شوم جلوه دادند ، چنانچه در ورود قشون روس ظاهر داشتند سواران و حیم خان جلو گرفته و از آن بددم مشاجره که واقع گردید قط بین سواران و حیم خاٹ و روس بین جلا و تبریز بود — که یکی از روسیان و دو هر از سواران و حیم خاٹ بقتل رسیدند ، تا عاقبت کار بجائی انجامید که افسر روسی با دسته از قزاقان در (امر) بیلمکاه و حیم خان رفته بظاهر او را گرفتار و بقول خودشان میلی هنگنت هم از او گرفته و برا رها نمودند

از طرف دیگر دیده می شود حکه و حیم خان مثل ایسکه یکی از دوستان صادق صمیمی خود خواهنش نماید خط بقوسل جنرال روس در تبریز نوشته طیب او را باسم معالجه مرض لقوه یا فالج می طلبد و جنرال قوسل هم مانند یکی از دوستان صمیمی طیب خود را با شکوهی تمام نزد او میفرستد ، از طرف دیگر ملاحظه می شود که بمجرد ورود طیب مسیحا دم مرض لقوه یا فالج و حیم خاٹ

هفتاد ساله صحت یافته بطرف اردبیل و تاخت و تاز آت نواح مستعد میگردد ، بامزه تو آنکه چهارده روز از حرکت برخی قشون روس از تبریز نگذشت که از حرکت رحیم خان روس خود را مجبور فرستادن قشون باردبیل جلو داد . آهم سه گونه آنچه از تبریز حرکت داده و به پناه های بلتیکانه بدون جهتی بن مستعد دخالت در امور داخله ایران باسم تنبیه اشراش شامسون میگردد و حال آنکه دولت جدید در جلوگیری انقلاب (اردبیل) که بموجب این عکس آورده خود روسها بود قشون بادازه کافی فرستاده بود ، و اگر عثمانیان در سرحد ارومیه تجاوز نه نموده و بلتیکانه دولت روس را ازین اقدامات محضانه تهدید نکرده بودند بیسج وجه دولت روس انتظام اردبیل و تنبیه شاهسونها را بایران واگذار نمی نمود ، چه تمام این گربه بازیها و حرکت رحیم خان و امثالی با شاهسونها را برای همین امر نموده بودند ، از طرف دیگر هم می بینیم که جریده طمس که زبان وزارت خارجه انگلستان است تأسف خود را از این حرکت عثمانی اظهار میدارد و ضمناً مینویسد که خوب بود تنبیه شاهسونها را روسها و میگذاردند ، و نیز ملامت می نماید عثمانی را بزبان خیر خواهی از تجاوز سرحد ارومیه ، این بیانات بخوبی ظاهراً میدارد که دولت انگلیس چندان برخلاف حرکت عشونی روس در اردبیل نموده ، (امر مشبه نشود ما کار بجراند ملی و احرار انگلستان که حامی استقلال ایرانند نداریم) و مسلم است روسها از اعتراضات دولت و ملت ایران هم ازین قصد سوء باز نیامده ، باید گفت باز آمدن روسها از خیالات دور و دراز در اردبیل فقط از رقیب تراشی ایرانیان و پیش قدمی عثمانیان در سرحد ارومیه بوده

اینهایکه ذکر شد تمام اقدامات علنی روسها بود که ابدأ قابل انکار نمیباشد ، ولی این عکس که با کمال وضاحت بلکه فصاحت که در جرائد اروپا چرخ میزند کشف می نماید سازش درونی روس را در آذربایجان ، و خدعه و فریب نمایندگان روس را در تبریز با رحیم خان شروع غدار ، این عکس بخوبی آشکار میدارد که نماینده روس دست مودت و الفت برحیم خان دزد داده محرمانه مشوره و راه نمائی می نمایند ،

این عکس خاک بر دعاوی دولت روس میباشد که رسمی و غیر رسمی خود را در انتشارات ایران بی طرف و بی غرض گفته است ،

این عکس حق میدهد ایرانیان را در سوء ظنیکه در معاملات ایران به همسایه خود روس دارند این عکس روسها را به بدقولی و بدینقی در محالک همسایگان سر و علم می نماید ، این عکس بزبان بلتیکی بایرانیان میگوید ای ملت ساده ، ای ملت تازه بیدار شده ، ای ملت بلتیک نا آشنا ، از همسایگان تدار ، از مدعیان خوش خط و خال حذر نمایند ، گول سخنان بلتیکی اجانب را نخورید ، دولت روس که هماره هشتن گرو چهار ، و دست استقراض در فرانس و انگلیس دراز است ، بچه قصد و اراده میخواهد باسم قرضه بول بخلق دولت ایران بریزد ؟ قصد قربت دارد یا طاشق طاق ابروی ملت ، هرگز - هرگز اضحلال استقلال ما را میخواهد ، همسایگان ساری اند که بذریعه این استقراض ایران را بصورت مصر در آورند ؛ بلکه بدتر میخواهند ایران را از روی معاهده بین خود تجزیه نمایند ، همین دویت ملیت ایران را زائل سازند ، اتحاد ایرانیان را با دویت اسی ابدالهر بر باد نمایند ، آیا ایرانیان از استقراضات اولیه سبق حاصل نه نموده که اختیار گمرکات از کنشان خارج گردید ؟ راه های داخلی که در حکم رگ و ریشه مملکت است بتبضه اجاب در آمد ، آیا لطافت این ده ساله همسایگان و روسخ و نفوذی که در حد سال نتوانستند حاصل نمود پیدا کردند از شامت استقراض نبود ، آیا چنان تصور می شود که باین جزئی استقراض ایران بحال خود خواهند گذارد ؟ هرگز هرگز ، این استقراض برای فتح باب است ، بمجرد این استقراض جزئی جهان بازیها سکه ایران را محتاج باین استقراض داشته اند فوری اسباب فراهم خواهند آورد که این وجه بمنزله دولت وارد نشده بخش و همان احتیاجات اولیه بازباده باقی ماند و مجدد استقراض دیگر کنند ، تا همین تسلسل رفته رفته ایران را هم زیاده بر تصور مقروض نمایند و هم هیچگونه انتظامی را ایرانیان از روی صحت موفق نگردند .

قریب نباید خورد که (وجوه استقراضی بدون امضای مجلس خرج نخواهد شد) همین دایه گان مهربان تو از مادر به تدابیر بلتیکی که ما بخواب هم ندیده ایم رنگی خواهند ریخت که مجلس و کلا مجبور بامضاء شوند ، آیا رحیم خانهای نوعی در ایران کم اند ؟ آیا نمایندگان همسایگان از اقتضایک نمایندگان روس در آذربایجان نموده طعنه اند ؟ اطمینان نباید نمود که جنرال قونسل روس که با رحیم خان دست بود روسیه جلب گردید ، سلت روسی فرقی نگردد ، هر مأمور تابع سلت دولت خود و دسترس

همین قدر که ما اعتراض روس را تسلیم نمایم (بر اینکه در سرحدات شمالی باید ژاندرامها تحت امر و مشق افسران روسی باشند) انگلیس هم در شمال خواهد خواست، و اگر خواهش روشن را قبول نمودیم بلا حرف مجبور بقبول خواهش (هنوز نکرده) انگلیس هم خواهیم بود، چه این قرضه را توام بخلق ما میزنند، آنچه را شرط این استقراض برای روس قرار دهیم طبعاً برای انگلیس هم خواهد بود، و در هر استقراض جزئی يك همچو شرط کلی را با خواهند قبولانید.

عجب این است که دولتن میخواهند درین جزئی قرض شرایلی را که بقروض هنگفت به مصر آنچه مرور زمان و زحمت بسیار قبولنده بقبولانند، این است که میگویند که مستشار مالیه ابراهیم باید از هولتی اختیار شود ~~که~~ متعهد با دولتن باشد و سعی اند که این شرط را هم در شروط این جزئی استقراض بکنجانند، و در مصر هم همین حکایت است که انتظام قشونی و مالی آن را متصرف اند، و برای مراکو هم داشتند بلکه دارند من نشه را میزنند.

چه قدر ما بی خبر باشیم که برای پنج ~~سکرو~~ تومن که از بس جزئی است شایسته نیست، بلکه مارا شرم می آید که استقراض دولتی قرار دهیم و زیر بار شرایط استقلال ویران کن برویم. اگرچه مارا یقین کامل است که وکلای ملت و امنای دولت از نیرنگهای همایگان واقف و از مضار این استقراض میثوم مطلع و از شرایط استقلال ویران نمای همایگان سر تا پا غرض مسیوق اند، معذالك از وظائف خود میدانم متذکراً بگوایم که این جزئیات اسباب سنگ دولت است که نام قرضه دولتی بروی وی گذارده شود، دیروز بود که بلغار در بازار صرافان انگلیس چندین ملیون ~~لیرا~~ ا.ع. لان استقراض داد و چند برابر خواهش خود کامیاب گردید، هیچکس نمیتواند بلغار را از هیچ حیثیت با ایرات طرف مقایسه قرار دهد، فقط چیزی که هست ادارات و وزارتخانه های بلغار منظم و از ایرات غیر منظم است، قطعاً اگر ما ادارات و وزارت خانه های خودمان را تحت انتظام آریم چند برابر بلغار در بازار صرافان اروپا اعتبار پیدا کرده قرض با شرف حاصل توایم نمود، البته گفته خواهد شد که این استقراض برای اصلاح ادارات و وزارتخانه هاست، ولی در صورتیکه باین شرایط منحوس، استقراض شود و وزارتخانه ها و ادارات ما تحت نفوذ مأمورین همسایه آید که شایده استقلال را از هم به باشد چه نتیجه جز عبودیت برای ایرانیان حاصل تواند شد.

ازین هم صرف نظر شود، هرگاه اصلاح ادارات و وزارتخانه های ما باین پنج ~~سکرو~~ تومن شود چه ضرورت که استقلال ایران را برای این قلیل وجه برباد دهند، این پنج ~~سکرو~~ تومن دولت میتواند از تجار و مدواین داخله استقراض نماید یا اعانه جبری بگیرد، و بر فرض هم که میسر نشد جواهرات دولتی را در خارجه رهن گذارده این جزئی وجه را بدست آورده اصلاح وزارت خانه و ادارات خود را بنمایند و هرگاه تصور نمایم ~~که~~ این قرضه ابتدائی و سپس استقراضات عمده توایم نمود باز هم می بینیم سهو کرده ایم، چه درین استقراض جزئی با آن شرایط استقلال ویران کن که همایگان هوشیارکار ما را میسازند و بقسی دست و پای ما را میخواهند به بندند که محال است از روی استقلال پس ازین قرضه نتوانیم استقراضی با شرف نمایم، همایگان ما هوشیار و از خیالات ما بهتر از خودمان واقف اند و بجزردیکه ما این استقراض را نمودیم ولو شرایط خودشان را قدری هم سهل نمایند چنان گره برای ما خواهند رقصاند که نرسیده بخزینه از میان برود و بیشتر از آن را برای اصلاحات لازم داشته باشیم، این خوب است خون شیرین ملت را باسم استقراض در دهان آنها ریزم که خون خوار تر خواهند شد، و تصور نکنیم که باین بهانه با آنها خواهند گردید که در شرع بلیتک ابراز آشنای حرام است، و اگر ما بلیتک ما شناسان اینده در دام همایگان افتادیم رها بمان بسی دشوار است، خصوصاً با این رسوخ و نفوذ و دست و قوت که در داخله ما درین دوره پیدا کرده اند، ایرانیان وقتی حافظ استقلال خود خواهند گردید ~~که~~ این دو همسایه از ریختن استقراض بخلق آنها مأیوس گردند و یقین نمایند که از آنها قرض نخواهند گرفت، و هرگاه صرف نظر از جمیع این مراتب شود گمان نمیرود که مقام ضیع ریاست و روحانی اسلام باین استقراضیکه بر باد دهند استقلال ایران است روی رضا به نماید و همین نکته، بالا صاله مورث اشمزاز ملت از دولت و مجلس تواند بود، و قطعاً زیادت این مأیوسی ملت بر استقلال دولت پیش از آن است که به تصور آید.

و گویا اصلح بر جمیع شقوق این باشد ~~که~~ مصارف فضول دولتی را چند ماه ترک نموده و جمیع قیادات دولت صرف تهیه قشون بشود برای دو امر، اول امنیت بلدان، دوم وصول مالیات. و فوراً مستشارهای خارجه را جلب نموده ادارات و وزارتخانه های خود را مرتب دارند، از برکت این دو نکته ~~که~~ قطعاً آنها خواهند توانست با شرف از خارجه قرض ~~سکنت~~ بگیرند، و هرگاه باز هم محتاج قرض شوند

اجتماعیه خود موجب حیرت و شرحش خارج از
دائرة مقصود ماست .

نوع انسانی هم از تنوع بدین خاطر بی بهره نبوده
و اگر نه ابقای وجود خویش تا کنون توالقی
کرد ، ما فقط در قبال امتیازی بسکه از عقل و
ادراک از کانه ممکنات در خود آن میبرد اسناد
ازل او را با نمل چون سایرین تمام معیشت نیاموخته
و تحصیل آنرا در عهده ادراکش نهاده سهل است
این جرم محبت را در مرض امواء نفس خویش
و نفوس دیگران در آورده بوسوس شیطاین داخل
و خارج مخزن ساخته است که ازین روی چه
بسیار دست از دامان فضا من باز میدارد و نوع
خود را تماماً علماً در مرض زوال در آورده
بلکه بر اعدایش گرمی بدهد .

بنابر این در هر زمان حکمای کاملین و انبیای
مرسلین علیهم السلام از مشاهده این احوال راحت
بر خود حرام نموده و نقد حیات را در پی بحاج
ملت خویش مصروف داشته ، تا این گمگشتگان
وادی ضلالت را گاهی در تحت لوای دیانت ، و
گاه وطنیت ، یا لغت ، و یا قومیت ، مجتمع و متحد
ساخته تا در پیازی بنیان استقلال شارا از حیات
امواج حوادث مصون میداشتند ، و حاصل آنکه
پیوسته یکی یا بیشتر ازین جماعات اربع ضامن بقای
نوع بشر میکردید ، و باز این اقوام پس از عهد
قائدین خود ترك تضامن و تکافل از یکدیگر نموده
بجای همدیگر می افتادند و احتیاج شایسته بمصلح
دیگری شدید می گشت ، تا نوبت بختام الانبیاء علیه
الصلوة والسلام رسیده ، و دین اسلام متفرق
ترین اقوام عالم را که آیه (لوانفت ما فی الارض
جیباً ما ائت بین قلوبهم) در حق شان سزاوار
نزول بود در زیر لوای توحید مجتمع ساخت ، و این
تمسک بجماعه دینی را تا ابد ضامن وحید برای
بقای این ملت مقرر داشته در ضمن آیات متعدده
و شرح احوال ملل ساله اندرز فرمود که زوال
سعادت ازین امت هم در سلوک سبیل نفاق و عدول
از منج قویم اتعوا است .

گذشته از این بنوای اکیده ما را از کثرت
و تفرق نمی فرمود ، که فقط ذکر آیات کریمه
(و لا تنازعوا فتزعلوا - و لا تکنوا کالذین تفرقوا
واختلفوا من بعد ما جائهم البینات - واعنصوا بحبل الله
جیباً و لا تفرقوا - ان الذین تفرقوا دینهم و کانوا
شیعاً لت منهم فی شیء) از آنجمله در این مقام
کافی است ،

این پنج کرور یک امروزه میخواهند از روس و
انگلیس بگیرند با آن شرایط منحوسه به تأیید و قوت
ریاست روحانی اسلام از روی اسناد رسمی با ترتیبات
صحیح استقراض جبری از ملت نمایند و یا یک مالیات
موقتی چنانچه سابق نوشتیم از قبیل انحصار فروش
تباکو و غیره و آخر الامر برهن جوامع دولتی رفع
احتیاجات فوری را به نمایند ، و ما یقین داریم که اولیای
دولت و مجلس مقدس صرف نظر از چنین استقراض
میشوم نموده اند ، و چون سال نو نزدیک و موقع
حواله دادن مالیات هم قریب است اگر این دو
ماه و نیم را هم قسمی بگذرانند مطمئن است که
ایران محتاج باینگونه استقراضات جزئی نخواهد شد
و با صبر و سکون مقتدر بر یک استقراض عمده با
شرقی که بتواند صرف اصلاحات ملکی نمایند بشوند
ولی شرط اعظم یا اصل اصیل حصول اعتبار همانا
منظم شدن ادارات و وزارتخانه هاست . و این هم جز
بمستشارهای خارجی صورت نه بندد ، خوب است
امانی دولت قبل از هر اقدام جلب مستشارهای
خارجی از دول کوچک بی طرف مانند سوئز ، هلند ،
و جمهوریهای کوچک امریکا و . . . و بنمایند ، چه
تا وقتی که ما مستشارهای خارجی را مستخدم نگذاریم
دیگر طمع همسایگان از جوش نخواهد افتاد و تمام
هم خود را صرف این خواهند نمود که ایران را
مجبور نمایند در جلب مستشارهای خارجه از خود

جامعه اسلامیت ، یا مایه سعادت ما
خلاق عالم جلالت قدرته هیولای امکانی را با
جمله از عواطف عالیه و حسنیات سامیه سرشته ، که
هرگاه عوارض خارجه بر آن طاری نگردد این
ذوات امکانیه با وجود ضعف بی نهایت بوسیله همین
حسنیات شریفه بر حسب یک سیر طبیعی میتوانند شدائد
حیات را مقاسات نموده بلکه خود را بمرمزل سعادت
وسانیده ، و از جمله این عواطف طبعیه یکی حسن
تضامن و تکافل است ، که در نظر دانا نه همین
قطب بی آدم اعضای یکدیگرند بلکه افراد هر نوع
از انواع ممکنات بالطبع از مراعاتش ناگزیرند ، یعنی
این افراد راست که بیکدیگر متحد و در معترك الحیات
از همدیگر مساعد و معاون بوده بقای نوع خویش
را از مراعات این عاطفه شریفه حاصل سازند ،

علمای علم حیوان و نبات اتفاق دارند که خاصه
این دو نوع هر یک دست از تضامن افراد خویش
کشیده و تنها مانده البته دیری گذشته که حاصلش
حصول زوال و سرمزل وادی اضمحلال بوده
یا جمله مشاهده احوال موجودات در مراعات نظامات

لکن باز بر وفق يك ناموس طیبی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن خبر داده فرموده ود (اما والله لتبئن سبل من سبقکم خذوا النمل بالمل حتی اتم لودخلوا حجرضب لدخلتموها) چندی نگذشت که امت مرحومه نیز بر رعم آن مه تاکید و تهمذیر دست از دامن تضامن و تکافل کشیده بدین سبب از اوج ارتقا روی بخصیض انحطاط آورد ، فراغته مسلمین در هر عصر و مصر ضعف دیانت و جهل ملت را ذنیت شمرده مسلمانان بیچاره را دست حوش اهواء و وسیله حصول اغراض خویش ساختند ، حروب داخلیه در هر نقطه بتدریج بالا گرفت ،

لکن همه جنسی و وطنی بوده هنوز لباس دین پوشیده بود نسبت بجامعه اسلامیة کمتر مضر واقع گردید ، و باز مسلمانانرا ممکن شد که با حملات متواتره تار و صلیبین دوسایه این جامعه مقاومت نموده هنوز مرکز خود را در آسیای و سلی محفوظ دارند ، تا اینکه از ابتدای چهار قرن مفرض دینی و سیاسی خلاف واقع میان سنی و شیعه را که فصلش تا آت عهد از عهده اقلام بحد حمام محول نگشته بود وسیله حصول اغراض خود یعنی موجب آبادی خویش و خرابی اسلام قرار داده شهوات خودرا کاملاً لباس دین پوشیده ، ار آن زمان تا کنون نه همین با عقول مسلمین ، بلکه با دین خدا بازی می کنند ، در طرف این مدت کرور ها مسلمانان بیگناه از فرط جهالت فدای اهواء دیگران گشته ، خسارهای مادی ، ادبی ، اقتصادی ، از حد و حصر بدر رفته ، عاقبت جز زوال شوکت اسلام و سلب استقلال مسلمین حاصلی نداشت ،

در این نقطه عقل منصف سخت متعیر میابد که آیا اگر ازین مجادلات غنیه و جنگهای بی دوی غرض تشدید دین بوده ، پس این ضعف بحد و انحطاط بی نهایت که بر عموم اسلامیان علبه دارد از چیست ؟ و اگر نه پس آیا نتیجه این خونریزی ها که همه منافی با انسانیت و اسلامیت است چه بوده و این خسارت ها بر صکه وارد آمده ؟ وجدان انسانی قبل از رجوع بصفحه تاریخ جواب خواهد گشت که غرض جز حصول مقاصد

جبی هوا پرست از رجال دین و دولت و حاصل غیر از تخم عداوت در قلوب برادران دینی کاشتن و عالم اسلامی را امروزه يك میدان جنگ معنوی ساختن چیزی نبوده و آنچه خسائر جز بر نفس جامعه اسلامیت که مایه سعادت ابدیه است واقع نگشته ، عجباً اینراتب بر هر دی شعوری جوئ آفتاب روشن است ، لکن مستبدین دینی و سیاسی چنان استقلال ذهن را که طیبی نوع بشر است از ما ملوب و عقول ما را در ضمن اهواء خویش مندرج و مغلوب ساخته اند که از اولین حکم شریعت خود یعنی مراعات جامعه اسلامیة دست کشیده آیه شریفه (ولا تکوموا من المشرکین من الدین فرقوا دینهم وکانوا شیعاً کل حزب بالذیم فرحون) را بخط مستقیم مخالفت نموده ، بمقاد همین آیه مبارکه خود را بصنات مشرکین منصف ساخته در عداد شان در آورده ایم ،

عجب تر آنکه دنباله این خلاف میثوم را کشیدن و این تعصب ملمون را در قلوب ساده لوحان و اطفال خود جای دادن از شعار دین می شاییم و تشدید شرعش مینامیم ، هنوز حس دینی را از تعصب میثوم تمیز نمیدیم ، غافل از اینکه چنانچه مراعات از حیثیات دینیه موجب سعادت می تواند شد ، مغاللات در آنم علت شقاوت است ، ظهور عصیبت و غلو در اعتقاد موجبش تقایص بشریت بوده نه اقتصای دیانت ، و خاصه شریعت مقدسه اسلام بیش از شرایع دیگر تاجان خود را بسوگ راه اعتدال در جمیع امور و به تسامح و باسایر ملل مأمور میدارد ، آیه کریمه (یا اهل الکتاب لاتقلوا فی دینکم) اگرچه خطاب به دیگران است لکن بر حسب روح شریعت سرمشقی است از برای ما ،

اسفاً اسلام ما را از موالات با ملل سائره مادامیکه از در قتال با ما نباشند منع فرموده بلکه باحسان و مودت جمیع ملل و اقوام تخصیص مینماید ، و بصریح ترین عبارتی در این دو آیه کریمه صلاهی صلح عام در عالم انسانیت داده مینماید (لاینبکم الله عن الذین لم یقاتلکم فی الدین ولم یخرجکم من ديارکم ان تبرؤم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین . اما ینبکم الله عن الذین قاتلکم فی الدین

و اخروجوك من دياركم و ظاهروا على اخراجكم
ان تولو هم و من يتولهم فاولئك هم الظالمون) بر
هر منصف بپفرض واضح است كه خاصه آيه نانيه
نهي از موالات را بكامه حصر مخصوص بعضي از
مشرکين اهل مکه در آن عهد داشته و مارا با كافة
بشر ترغيب بقسط و مودت مي فرمايد. آيا باز رواست
كه ما عداوت با اخوان اسلامي خود را موافق اسلام
و موجب تشييد دين حنيف قلم دهيم ؟

يا للعجب حضرت خاتم الانبياء صلي الله عليه و
آله با قبيله خزاعه كه همه مشرك بودند حليف
گشته محض حمايت از ايشان بنفس نفيس خویش
لشكر بر سر قریش می كشد و انتقام شام از
مشرکين مکه می گيرد ، آيا ما ميتوانيم با اعحالت
اتفاق و مؤالفت با ساير اقوام را منافی با اسلاميت
تصور نمايم ، تا چه رسد بانحاد با برادران ديني ما
كه همه بجمده الله داراي يك دين و از افراد يك
امت مرحومه هستيم ؟ از اين مراتب گذشته گرتم
كه ما ايرانيان خود را فرقه ناصيه ناميده بر حق
و غير خود را همه بر باطل دانيم ، آيا نبايد بوالی
خویش تاسی نموده و چون بای بيگانه درميان
است با برادران عثماني متحد گشته دفع اجاب از
دو مملكت باقی مانده اسلام مايم ؟ حاصل آنكه
امروزه بقای استقلال و حصول مجاح اين دو دولت
و دو مملكت اسلامي جز بمراتب دو امر صورت
نه پذيرد .

اول آنكه هر يك از اين دو دولت بمقتضای
جامعه و طبيعت و بيفاد دو آيه كريمه سابقه الذكر با
اقوام غير مسلمه صكه در آنجا هر يك از دو
مملكت موجود و در حكم دولت اسلاميه داخلند
كمال موالات و مصافحت نموده ، ايشانرا در حقوق
و طبيعت كه محكم (لهم ما لنا و عليهم ما علينا) حق
مشروع اينهاست با خود شريك و مساوی دانسته ،
بدین وسيله تحصيل اتحاد ملي نمايند .

دويم علايق و ديه درميان خود مستحكم داشته ،
و گذشته از آن اين دو دولت اسلام هم بجمك جامعه
اسلاميه با يكدیگر متحد و در ظاهر و باطن از
همديگر معاون و مساعد باشند و ادنی معرفتي باوضاع
سياست اين عصر كافي است در حكم اينكه اخلاص
هو شرط موجب زوال استقلال اسلام و باعث بد

بختی مسلمين خواهد بود. آيا ملتی بمثل ما ايرانيان
كه نو ما كيه از نقد مال خالی و سينه از نور علم
تاری گشته ميتواند بخودي خود هنوز استقلال
خویش را محفوظ دارد. بدون اينكه با جميع انبای
وطن بجامعه وطنيه و با عموم مسلمين بجامعه اسلاميه
اتحاد و اتفاق نمايد ؟ آيا اگر ما باز خود را از
عالم اسلامي منفصل داريم حلاليت بمثل الجزائر ،
تونس ، مصر ، مراکش ، نخواهد كشيد ؟ اگر
حکومت مراکش خود را با دولت عليه عثمانيه حليف
ساخته و يا با دول عثمانيه ديگري كه طمع در او
ندارند چون امريكا و ژاپون عهد اتفاق بسته بود
آيا امكان داشت كه اسپانيا با آن انقلابات داخله
خود بچنين تصرفات جابرانه اقدام نمايد و عاقبت
خدای نخواسته مراکش را باندلس معطوف سازد ؟
اي برادران عزيز اي هموطنان محترم ، اندك
تدبر در احوال سابقين و اطلاع بر اوضاع اين عصر
بر ما مدلل مي دارد كه امروزه حصول سعادت مارا
جز بوسيله اتحاد و اتفاق با عموم مسلمانان و خاصه
با برادران عثماني ممكن نخواهد شد ، سعادت جام
اينست كه دست طبيعت آن را بر قامت علم و اتفاق
دوخته ، خوب است ما اين نكته را از ملل نصرانيه
پياموزيم و مشاهده كنيم كه تا كنون چه بسيار
اقوام ضميغه از ايشان فقط بدین وسيله استقلال
خود را مسترد داشته از نو تشكيل مليت داده اند ،
كه از آن جمله ممالك يونان ، جيل اسود ، بلغار ،
سربستان ، و بسياری از امثال ايشان هم دست
توسل بجامعه نصرانيت زده در انظار اروپا بجناب
خویش معطوف داشته و نتيجه حصول استقلال
شان گرديد

از اين شواهد قوی تر حال جيل لېسان است
كه در قلب مملكت عثماني چه امتيازات عظيمه تحصيل
نموده و جز توسل بدامان صليب وسيله نجاتي
نداشت ، اين اقوام اسكندري با اروپا در مسائل
كنائسي اختلافات بزرگ دارند كه برخي از آن
مسائل جوهری و راجع باصل ديانت است ، و
سالمای دراز بمثل حالت امروزي ما با يكدیگر
جنگيده عاقبت دانستند كه اين جنگ سختي عاقبت
جز اختلال كنيسه شرقيه و زوال دولتي روم و
دهون مستقيم از هر طرف در اروپا حاصل نمائند